

ارگان کمیته خارج از کشور سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) سال دوم نیمه اول دی ماه ۱۳۶۷

به جلادان فرصت ندهیم!

چریان تکان دهنده و نفرت بارنا بوده دست جمعی زندانیان سیاسی که از شهریور ماه در زندان‌های سراسر کشور آغاز شده چنان ادا مه داره، علی‌رغم موج اعترافات بین المللی، که فشار رقابیل ملاحظه‌ای بر رهبران جنایتکار جمهوری اسلامی وارد ساخت، "برنا مه با کما زی" قطع نشده است، خبر تجدید محاکمه و تصفیه ۱۰۰۰ نفر دیگر از زندانیان تهران تازه - ترین خبر پس از کشتارهای ماههای گذشته است. عسلاو برای برخی از احزاب اپوزیسیون دربار به برنا مه در دست اجرای اعدام زنان زندانی خبر میدهند و مواردی را که حکم اعدام در مساه آذر که بتا زگی به خارج در زکوده است همه گوا ه بر آنست که اعدامها قطع نشده و داس مرگ هنوز هزاران نفر دیگر از شقایقهای محبوس را تهدید میکند. این وضعیت اضطراری حکم میکند که مبارزات افشاگران و سازماندهی اعتراضات افکار عمومی بین المللی با یدبی وقفه ادامه یابد. بزرگترین خطر در شرایط کنونی این است که فاجعه کشتار در صفحه ۱۱



بمناسبت یازدهم دی روز شهدای سازمان

نگاه کن چه فروتنانه بر خاک می گسترده
 آنکه نهال نازک دستانش از عشق
 خدات و پیش عصیانش
 بالای جهنم پست است.

با اندوه و رنجبران می گریستند، در رویاهای شاد می شگفتند، نگاه بر عطفوت ما در راه جستجوی برکت می کاویدند، به دروا در آغوش می گرفتند، همه نمهای بشریت را می آزمودند، در لبخند کودکیشان با صبحگاه هبیداری می خندیدند، زیستن را و نفس گرم حیات را با س میباشند و در شکرانه آن، از لبخند توده تا جلوه خورشید، از زبیا شترانه تا دلبری روز، از طعم فریاد تا شکوه پیکار، معجزتی می یافتند. در صفحه ۳

در صفحه ۱۰

سنئون آزاد

در پاسخ به مقاله خانوادها و ازدواج

در صفحه ۸

به بهانه:

(سینما در جنبه نبوغ فقها)

مصاحبه با

دوتن از رهبران "میر" شیلی

در صفحه ۴

اعلامیه کمیته مرکزی

بمناسبت روز شهدای سازمان

در صفحه ۶

کراچی:

اعتراض علیه یورش مسلحانه

مزدوران رژیم

خانه از پای بست ویران است

از آنجائی که فقها به برگهای مورد آزمایش خود امید ندارند، مستمکهای دیگری می جویند. نخست در مورد قانون اساسی برخورد را از "مواهب دمکراسی" یادگفت اگر این کا غذا ره، تضمین کننده آزادی، و تفکر سنگی فقها عاشق دمکراسی است، پس، هیچ آفتابی دلیل آفتاب نیست! در صفحه ۲

رژیمی که آزادیخواهان را بی هیچ خمی بر ابروی به داغ و درفش می سپرد، با ردیگر به آزادی خواهی نظر هر میکند، سعی فقها حتی برای این است که آزادیخواهی را در ذات رژیم نکبت با رشان معرفی کنند، دستهای اخیر این جلادان بی آرم بویژه شوع آور است.

تصفیه خونین در زندانها ادامه دارد

خونخوار دست به خودکشی زده اند، بهنا بر خبر رسیده از ایران، این زنان قهرمان از طریق حلق آویسز کردن و یا زدن رگ دستان خود مرگ دلاورانه را پذیرا گشته اند تا راه جلادان تبهکار را در اوپسین لحظات زندگی خود به ریشخند گیرند.

این خبرها در کتا را خبا رهرا کننده اجسرای اعدامهای تازه در ماه آذر نشان میدهد موج اعدامهای دسته جمعی کماکان ادا مه دار و در خطر اعدام هزاران نفر دیگر از زندانیان سیاسی را تهدید می کند.

طبق آخرین اخباری که از زندانهای تهران بدست ما رسیده، چریان محاکمه مجدد و تصفیه خونین بیش از ۱۰۰۰ نفر دیگر از زندانیان زندان اوین آغاز شده است که از آنها با صلاح تکلیف ۳۰ نفر روشن شده و این عده زیر تیغ جلادان بر میبرند. جلادان جمهوری اسلامی، نجات زندگی این ۳۰ نفر را مشروط به مصالحه تلویزیونی و اظهار رندا مت آنها کرده اند که با پاسخ منفی این قهرمانان روبرو شده اند، در ضمن سه تن از زندانیان در زندان اوین بخاطر اعتراض به اعمال فشارهای ضد انسانی رژیم

علیه اعدام و شکنجه و برای نجات جان زندانیان سیاسی بپا خیزیم!

خانه از پای بست ویران است

ولی هما نظور که فوقا اثاره شد۔ ویا استناد به تاریخ جنبشهای مذهبی ـ وجه مشترک همه ما حبان و مدافعین "مالکیت مقدس" زمینه اصلی حل اختلاف آنها را فراهم میسازد.

مگر در طول تاریخ، خاکام، کشیش و ملا، در نقاشی و اطمینان برای ما حبان مالکیت و مزد بگیران آنها نبوده اند؟

در شرایط امروز ایران نیز، چنین شیوه حل اختلاف و برابری بر اساسی اصطلاحاً که بعید نیست، این واقعیت توضیح دهنده چنین احتمالی است که در جامعه مبتنی بر مالکیت خصوصی، پیکارهای آشتی ناپذیر همواره جریان خواهند داشت و بحرانهای پدید آمده در جای خود نیز زنده خواهند ماند و تا دیرباز همه استثماریگران جزیرتنگ و سرکوب و یا بقول مفسرین غربی ـ پراگماتیسیم نیست، پراگماتیسیمی که خمینی بحران زده و بناچار تدبیر اندیش، بر اساس آن، قطعنامه "حرام" ۵۹۸ سازمان ملل و آلات "حرام" موسیقی را یک شبه "حلال" میکنند و بعید نیست که در صورت لزوم با مکره اعلام شدن نماز و روزه، یکبار دیگر آبرویش را با خدا به معامله بگذارد!

از این رومی توان احتمال داد که همپای رژیم اقتصادی موجود، فقها در رژیم سیاسی نیز، بسا تعدیلاتی ـ در زمینه لایحه احزاب، سیستم انتخاباتی و قانون گذاری و... ـ بطوریکه، اراده حکومتی را بنفع "مدیران" لیبرال و نظارتی ضعیف تر از زبده سرمایه داری مدرن ملاحظه کنند.

نمی توان مدعی بود که این سیر بدون تشن ـ های شدید در درون حاکمیت همراه با شدویا حتی ترین موفقیت گردد، زیرا سرمایه داری جهانی و محلی، آلترنا تویهای لایق تری برای حکومت دارد که از شانس حاکمین فعلی میکاهد..

مطلب بعدی در این است که آیا رژیم جمهوری اسلامی به فرض پذیرش تمامی الزامات و مطلوبات سرمایه داری، قادر به "اعطاء" آزادیهای ناخواسته و اعمال یک رژیم سیاسی برپایه دیکراسی بورژوازی هست؟

تجربه شاه در ایران و همه کشورهای سرمایه داری وابسته، دو واقعیت را به منصفه ظهور می گذارد: نخست اینکه در عصر پراشوب کنونی ـ که نتیجه پیکارها و پیروزیهای لاینقطع زحمتکشان جهان است ـ انجام دسیاسی و دیکتاتوری خشن قادر به خفه کردن ندای مبارزه نیست، پهلویها، ضیاءالحقها، اورن ها، دیکتاتوری های نظامی در آمریکا لاتین، بویژه در این آزمون سرافکننده ترا بزقبیه بیرون آمدند.

"راه حل" دوم به این نکته تکیه دارد که جامعه سرمایه داری بنا به گستردگی و فراگیری همه پایه های آن، لاجرم بنیان مند "گشایش" است تا بغضهای متراکم "مردمی" که هر یک بنوعی با زندگی سیاسی و اجتماعی ـ حتی در دوره افتادترین روستاها ـ پیوند خورده اند، منفجر نشود. این شیوه در حلقه های ضعیف سرمایه داری که بس عقب ترا ز کشورهای

آقایان هستند ـ از حق فعالیت برخوردار خواهند شد. آخوندها پاسخ نمی دهند که "شرع انور" شان به چه دلیل، حزب جمهوری اسلامی را از صحنه دک کرد. اما در باب احزاب ما شینی مورد نظر ایشان، لازم است پنبه از گوش خود درآورند و بیدار نندکندند احزاب طبقاتی برخاسته از قشر بندی جامعه اندکه بی تجویز آخوندها پدید می آیند، یا با آن می سازند و یا تیشه، تاریخی را بر بنیادش فرود می آورند و بی اندک نیازی به "هوا"ی مسموم عطاشی آقایان، به تنفس ـ اگر چه خونین و پرفر خورده ـ ادامه میدهند.

سومین حرف آخوندها، "اعتماد" به "حبل" جنگ است وجه تماثالی است وقتی به حکم "قانون مقدس" خود آنرا توجیه میکنند، صرف نظر از واقعیت قانون و برپایه نحوه استدلال جانیان نیز می توان دم خوس را از لای عیای بلند ملایان دید. طوری دروغ می گویند که گوش نظام آزادی کشش فقا هتی در زمان جنگ به میان آمد و نه از اولیین روزی که خمینی این عبارت را همچون "آیه منزل" بر زبان آورد: "جمهوری اسلامی، نه یک کلمه کمتر، نه یک کلمه بیشتر". طبق این اراجیف، بر هر عقیده و مرامی و طبعا بر هر شخص و گروه منافی و مخالفی، تیغ "اسلام ناب محمدی" ایشان مباح است، نکته دوم در قانون پرستی رژیم جمهوری اسلامی، فرا موشی این امر است که نمی گویند در صورت "صحت" ادعای او، بر طبق کدام قانون، حکم و فرمانی، شرایط زمان جنگ مانع اجرا ـ مثلا "قانون احزاب" شد؟

قبل از بیان هر چیزی باید گفت که رژیم فقها، سخت مایل است به شیوه ای برگزیده، یعنی مطابق "ارزشهای فرهنگی و ایدئولوژیک خود حکومت کند و با همین تمایل میخواد که جهان او را بعنوان یک "واقعیت انکارنا پذیر" بر سمیت بشناسد. از اینرو گرایش به مشروطه خواهی بجای مشروطه خواهی فقط در حکم تاکتیکیهای موقتی است. ولی بحران موجود و واقعیتهای جهان موجود به رژیم فهمانده که به "افتتاح" روز تصمیم دیگری هم بگیرد، ادامه بحسب ما اثاره به همین موضوع است.

علیرغم تمام دست اندازهای جمهوری اسلامی در جامعه سرمایه داری قرن بیستم، باید در نظر داشت که و نیز چون سایر مدافعین سرمایه، از "قدسیت مالکیت خصوصی" دفاع میکند. نظام اقتصادی مبتنی بر تولید سرمایه داری و سودهای افسانهای و تصاحب خصوصی ناشی از آن، با بطلان اوست، تنها شما بر رژیم فقا هتی با سلطنتی بی جمهوری سرمایه، در حرکت لاک پشتی و "اعمال زبانباز" برای نظام سرمایه داری است که نه مطابق میسل سرمایه جهانی و نه داخلی است. این امر خود زائیده "ارزشهای فرهنگی" ایدئولوژیک دولت حاکم است که مرا مانده فرهنگی آن از "پیوند حوزه و داندگاه" تشکیل شده است.

فقها به همان حدی که شیوه های مدرن شکنجه را با خونسردی می آموزند، در زمینه شناخت مقولات اولیه پیرامون آزادی، قانون و قانون اساسی، جاهل و عیولند، آنها را "بحث شیرین زنا و لواط" و طرز رفت و برگشت به مول "از هر گونه فکری که با عصر جدید سازگار باشد، بازداشته است. از این جهت ما ناچاریم در همان حد متعارف و معمول، نکاتی را به آنان گوشزد کنیم.

قبل از هر چیز اینکه، قانون اساسی جمهوری اسلامی، حتی در چارچوب قوانین زیربافت سرمایه داری، قانون اساسی نیست، قانون دینی است، لذا بی قانونی است. چنانچه اگر آن در کودنی خود محق اندکند اندا نند مفهوم آزادیها، حقوق اساسی و سیاسی بعد از زمانی که فئودالیسم، همچون جامعه ای چرکین به دوران نداشتند، مطرح گشت. از این جهت افکار ما قبل فئودالی قفا و ترا و وراثت دوران برده داری اینان با هر چه مفاهیم حقوق و آزادیهای اساسی و سیاسی بیگانه است. اعمال کلاما بقانون اساسی آقایان، از تعیین طرز لباس پوشیدن و ریش گذاشتن کارمندان گرفته تا دخالت در خصوصی ترین امور زندگی شهروندی و... از هر برهانی قاطع تراست. روحانیت از آغاز قرن، از مشروطه در مقابل مشروطه که محتوی آن قانون اساسی به معنی غیر آخوندی است، دفاع کرده است. خمینی و همسایه مدعیان "راستین و دروغین" به حکومت دینی، بخوبی میداندند که در کشوریکه قانون و احکام، برخاسته از احکام دینی و تناسیر "قبیه و رهبر منزه" قلمداد می شود و سر نوشت کشور را "مامله بی آبروی و آبرو رهبر با خدا" تعیین می کند، برابری جای هیچگونه "چراها، بایدها و نبایدها" نیست. با این همه آیا این قانون اساسی دوره جاهلیت "فان آزادی خواهد بود؟!

در مورد التزام به قانون اساسی که برخی نیروهای اپوزیسیون، از جمله اپوزیسیونها، رفرمیستها و لیبرالها علاقه وافری به آن دارند ـ و در این تحمیق توده ای نقش موشی تاکنون بازی کرده اند ـ باید تکرار گفت که آویختن به ریسمان بوسیده را تجویز کرده اند، التزام به این ورق باره حتی به روال فعالیت مرسوم سیاسی در غرب ـ خود به معنی نفی بی رمق ترین آزادیهاست. اگر از قانون اساسی اسلامی اصولی را که مانع "اعطاء" آزادی و حقوق دیکراسی است، حذف کنیم، فقط جلد آن باقی خواهد ماند. گفتنی است که این قانون در جای خود، بیانگر ماهیت رژیم جمهوری اسلامی است و حذف آن، جز بمعنای حذف جمهوری نکبت با رفقا نخواهد بود.

نکته دوم، نسخه های حزب سازی آخوندها است. محتشمی وزیر کشور میگوید احزابی که به قانون اساسی گردن نهند، نظا پرا بپذیرند، مسلمان باشند، ملحد و مشرک نباشند ـ یعنی همان باشند که

بمناسبت یازدهم دی روز شهدای سازمان

ازگزیده غزلیات شمس
بها هتما م شفيعی ککنی

سال ستیز و انفجار، در عصر نشست و نشست خون بر کرانه
اوین، روئید، از آشوب و آشوبهای جزیریه، جزنجا بیست،
جزندا و مسلحشوری بیبا رنشتست، هراس را برشانسه
با دنشا ندوا زما می خوشنقا متانسان را به
کارزار آورد، از آنگونه شده که شما ما ن مرصیح بسی
یاد او هزاران کس از این سپاه سر بلند گشوده نگشته
است.

اینان راحتی با نام نیز نمی توان نامید،
در رثایشان هر سرودی به ستوه خواهد آمد، نه در دیر
واژه، نه در شادانترین رویاها ما ن، کلامی شایسته
برابری با اینان نیست. "محسن (۴)" از ایستان
است، در دهان او، روز به نغمه شد و با زوان گل سرخی
از خاک بر حرا چل شانه های رستن گرفت تا بفرسوق
تیره، ظالمان فرود آمد، بسی هیچ نامی و نشانی از
میان "بودن و نبودن"، پرسش تا ریخ را، به "زیستن"
پاسخ گفت، و از آنرو که نمی خواست بمیرد، لب داغ
گلونه را بوسید.

"نسرین (۵)" زمانی پنجه در پنجه جا داشت
افکنده های و نا ن را از این تن خسته نشانی نماند،
اما از دهان این پریوا ژبرتوانسانی، بوی نمان و
عطر باران برمی خاست، رویا پیش هنوز دریا بود که
از مشایعت جویهای بیشمار بازمی گشت.

در کلام این یاران، برکت معنا می یافت و همه
آبهای زلال جهان در کف دست می نمود؛
آنان سکوتشان طغیان بود، و حماسه در پیش
پایشان، کعبه ای مقدس را می ستود.

از چه بگوئیم؟! از چه و تا چند بگوئیم، ما، که
چون ریشه ای با خاک، با ایشان پیوند خورده ایم!
ما که شراب شادمانی خلق را از عطر نگاهای بیمن
ساقیان سقا و تمند سرشار خواهیم دید! با ما گریستن
است به مقیاس بر طبل ترین تپش حیات که با پیاد
آنان، و چون سوگندی برای تداوم مسیر، در جهان
و دلیمان جا ریست.

اما دشمن؟ با این خم تیره دل چه تدبیری بود
که این همه مروارید رخشان را از کف توده رنج در
ربود؟

آنها ندانسته بودند که کشته های اینان،
ما هورهای پولادین در ساختن حماسی، و ورشته گوهی
از شهادت خواهند شد؟ ای کوردلان، ای نامرغه
تباهی فروشندگان! شما با زرگان بیع و شرا،
خون و جنایت را گریزی از تماشای هراس آل بود
این صف طویل، این رژه مقدس سربازان نام آور
زندگی نیست؛

عباس تنکا بنی، احمد ثابت جو، عظیم جلالی،
حمید جلیلی ارومیه، رضا حسین خانی، رحمت خشکدامن،
بابک دسکوره، محمد استروان، طاهر ریاحی، نورالدین
ریاحی، ما دق ریگی، طاهره سید احمدی، سیروس
مرادی، شهره مدیر شانه چی، گوروش بکتا، لطیفه
نعیمی، جبرئیل هاشمی آذر، امیر منیژه، علیرضا
تشید، رحیم حسین پورودری، جعفر ریاحی، محمد
ریاحی، عطا معینی، حمید دینخواه...
زنان، دختران، خواهران!

بلندترین درختان بودند که در پای هرجوی
رسته بودند... از نه آوازی بزرگ ساختند، نخواستند
که "در شب و هن دق کنند" که آنگاه یورش "مدخنجر"
و شبهای کین سفاکان پیکر آنان را برآشت.

هنکا که ما اینان سرود آغاز میکردند، تنسدر،
کام گشوده را برمی بست، رودخانه ها در سکوت
حیرت از رفتن بازمی ماندند و سروهای بلند بسا
گردنهای خمیده می گریستند، چه که سروستانی سرخ
از تبا ر شهیدان بر خاک دادخواهی خلق رسته بود؛

علی اصغر ابراهیم زاده، غلامحسین ابراهیم
زاده، عبدالکریم جیرانی، چنگیز احمدی، احمد
احمدی بوجین، حبیب اله احمدی جندقی، وحید
اخلاقی، حسن اردین، خدیجه رفیع، هادی آزاد،
عبدالکریم آبرانی، وحید اعتمادی، قاضی اعظمی،
محسن افشار بکشلو، عزت آقا پور، هادی اکبری ذکوة،
حسین الهی، یوسف آلیاری، محمد تقی امامی، شمس
الدین امیرا هکرمی، هادی امینیا، حسین امین
جعفری، سعید بازرگان، شهلا با لاجان پور، احمد

با لاجان، فرهادبا میا، سیروس باوند، اسما عیسی
بهرمان، جمال بهمن پور، مصطفی بیگلری، محمد
ما دق بیبا، محبوبه پرچم کاشانی، یحیی برکار،...
اینان، با شانه با دگسوی جنگل را می

آراستند و بوسه شان به گونه آسمان می رسید. بر
بلندای قتل می ایستادند، ما عقه را فرو می
بلسیدند تا کشتزاران سبز، همچنان رویان برجای
مانده با شند، و از کفر میزترین حقیقت، آیتسی
مسلم سا خته بودند، بی پروا پا کانی که هنگام
با نکشان، مردان همه قباثل شهادت و عا طفسه،
شیبورها را در هم می تمکند و درگاه تما می خانه ها
به پیشوا زان بر خاک می ساشیدند، نجیب ترین
زنان بودند که با چشمهای آفتاب می نگریستند و در
دیدگان نشان، مهر با نی نیلگون خرمی خرا میسد،
دستها شان از خاک فلات و آب همه خلیج، هربری از
خون و مقامت می یافت.

با این مردان، توانی بود که حجم کراهت
عالم را در منت می فشرده تا جاننده کولی و شان
حیات و رقصندگان شادمانی در گور خوشی نخشکند،
تبرها را از قلب مردمان برمی گرفتند، حتی اگر
دژخیم زهان تیغ و سا طور، بر شاخسارتن و جانشان
فرودمی آورد.

از این یاران، "شکوهند (۱)" یادی نبود.
مردی با شیارهای زخم خون، بر پیشانی و تن کسه
قواره، زیبایی تاریخ بود؛ بذرتام "حیدرخان (۲)"
از پیشانی او در مساهای تفتیده، ترس و گریسز و
گمراهی، و خشم و تنفس پنهان گل داد، و آوازشاد
"ارانی" چون جوی زلال از آن گذشت که زمانی در
سیمای متلاشی بیژن ماندگاری گشته بود.

"شکوه" در سالی به شکفتن نشست که دشت را از
چهارسو، گران و سگان و ددان، قرنگاه خویش
ساخته بودند، در پای می که آفتاب رنجور بود و زمانه ای که
پس از نمان ظلمت دیرین، با تیرو توگرگ، حتی
با "نامانی خداوند" بر قلمرو زندگان شوریدند.
"مهناز (۳)" فرشته وشی از این قوم نبود، در

مرا عاشق چنان با پدکه هرباری که بر خیزد
قیامت های پر آتش زهر سوئی برانگیزد
دلی خواهیم چون دوزخ که دوزخ را فرو سوزد
دو صد دریا بشوراند، ز موج بحر نگریزد
فلکها را چون مندلی (*) به دست خویش در پیچد
چراغ لایزالی را چون مندلی در آویزد
چوشیری سوی جنگ آید، دل او چون نهنگ آید
بجز خود هیچ نگذارد و با خود نیز بستیزد
چو هفتصد پرده دل را به نور خود بدراند
ز غرش این ندا آید: ((بنا میزد (**))، بنا میزد
چو از زهفتمین دریا به کوه قاف رو آرد
از آن دریا چه، گوهرها کنا رخاک در ریزد.

(*) مندیل، دستار، دستمال.

(**) بنا میزد، ماشاء الله در زبان امروز.

اندوه گره گیسوان را بر آشوبید و از هرنگاه
شهیدان، خنجر خونین سائید و در چشمانی سرگ
نکر دشمن فرود آورید!
مردان، برادران!

شما که شانه ها تا از ریزش استوانه های
حزن فرو خیمیده، نام بلند ایشان را بر تیغ ها
بنگارید تا تب بیم دژخیم در منظره تما شایستان هر
چه متشنج تریاد!

کارگران، زحمتکشان! اشکها تا ن خشکیده که دسته ای
دیگر از چلچله ها، از خاندان با کیزگی را به خون
درا فکندند، در زخمهای دستها تا ن بنگارید تا ببینید
آنچه آهن و عرق بر آن نگاه داشته، جز نام شهیدان
نیست، نام دلاوران رزم آزموده ای که برای خویش
جز خون خویشتن "نداشتند و برای شما لگدمال شدگان،
آزادی و عدالت و شادکامی خواستند!
ورفیقان!

بگذار بر پرچم چین و به تیغ دریده و خونین
که از شانه شهیدان بردستمان مانده، برافراشته
ترباد، زیرا از آیت پرفرگمونیم، هیچ دعوی و
درودی برتر نیست!

- ۱) رفیق شهید علیرضا شکوهی
- ۲) حیدرخان عمو و غلی
- ۳) مهنا ز معنوی پرست
- ۴) محسن دماوندی
- ۵) نسرین بقاشی

قسمتهایی از

اعلامیه کمیته مرکزی

سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)



از
«غزل برای دلوران»

سعیدسلطان پور

کوهی،

که ایستاده کنار سپیده دم

بر کاکلت هنوز نشسته ستاره ای

رودی،

که در هوای سحرگاه می پی

پیوسته و شکسته، جو آئینه وارهای

چون رود، مهربان

مانند کوهسا رشکیبائی

زیبائی ای دلور، زیبائی

□

وقتی پرندگان سبک خیزواژه ها

از شاخه زبانتویروزمی کنند

وقتی که خنده هایت، غوغای شورونور

در قلب شب گرفته این تنگنای سرد

رنگین کمان همهمه می بندد

و چشمهای پاک تو

این چشمه های مهر

با شوق کودکانه می خندد

در قلب من

دست سحر،

زمان را

بیدار می کند

صبح وستاره، صخره و دریا

زیبائی ای دلور، زیبائی

□

اما

زیبا ترین کوهان

کوهان سنگرند

و رودهای خاطره انگیز

آوازه خوان بجان دریای، شنا و رند

توکوهسا مردان

انسان کوه

تورودبیا رتوفان

انسان رود

استورده طبعیت وانسان

آمیزه شگفت دودنیائی

زیبائی ای دلور، زیبائی

□

●●●

یا زدهم دی ماه، سالگردشهادت حماسی وقهرمانان رفیق علیرضا شکوهی، عضو دفتر سیاسی و دبیر اول کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) روز تجدید پییمان راه کارگری هاست با همسنگران جانباخته و بسا رفیقان دربند خود، برای برداشتن سلاح و پرچم آنان و پیگیری مبارزه در راه اهداف و آرمان های انقلابی آنان. یا زدهم دی، سنتی است در سازمان ما، برای بزرگداشت یاد همه شهیدان راه آزادی و سوسیالیسم در ایران، و برای ابراز همبستگی با خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی.

امسال برگزاری یاد زدهم دی، با شومترین و سیاهترین ایام تاریخ زندان - های سیاسی در ایران مصداق است، ایامی که طرح بی باقیه و فاشیستی قتل عام زندانیان سیاسی و حتی فراخوانی یا دستگیری مجدد زندانیان سیاسی آزاد شده و تیرباران آنها به اجرا درآمده است.

حکومت اسلامی پس از شکست خود در جنگ ارتجاعی هشت ساله، داس مرگ خود را از جبهه های بسوی زندان های سیاسی چرخانده و درحالی که زرمه با صلاحت "غفوعومی" بر زبان ها می اندازد، درحالی که از با صلاحت "آزادی احزاب و فعالیت های سیاسی" دم می زند، و درحالی که از امکان اعطاء اجازت به زندیدان زندان های ایران به فرستادگان مجمع بین المللی سخن می گوید، در زندان - های سیاسی سراسر کشور، طرح کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی و دفن دسته - جمعی آنها در گودال ها را با شتاب هر چه بیشتر به اجرا در می آورد، اعدام شدگان در جریان این طرح فاشیستی را با زداشتی های محکوم نشده و سالها بلا تکلیف، محکومینی که دوره محکومیت خود را می گذرانند، و آزاد شدگان از زندان تشکیل می دهند، یعنی کسانی که حتی برای محکومیت ساختگی آنان بهانه و اتهام کافی وجود نداشته و سالها بلا تکلیف مانده اند، یا کسانی که دوران محکومیت خود را می گذرانده اند - بی آنکه "جرم" تازه ای مرتکب شده باشند، و کسانی که بدلیل برائت یا پایان دوره محکومیت خود آزاد شده بودند. دژخیمان رژیم اسلامی، حتی زندانیان را که به این کشتار اعتراض نموده اند اعدام کرده اند! ابعدا این قتل عام هولناک که طرح زمان بندی شده آن در جلسه مشترک حکام مشرع دادگاه های اسلامی تهیه شده و در نیمه مرداد ماه ۶۷ به امضای خمینی دژخیم رسیده است هنوز روشن نشده، اما گزارشات موثق نظیر اعدام ۷۲۵ زندانی در یک نوبت در زندان گوهردشت تا دوم آبان ماه، ۴۰۰ نفر در زندان ارومیه و بیش از ۲۵۰ نفر در زندان رشت، در اصفهان و ممسنی ۸۰ درصد اسرای قهرمان خلق، تنها در زندان لاهیجان بیش از ۶۰۰ نفر و

در کرمان کلیه مبارزان در بند، که تنها نمونه ها و موارد جسته و گریخته ای از این قتل عام پنهانی، منظم و سرسری را نشان می دهند، گواه بر آنند که تخمین تعداد قربانان این جنایت فاشیستی به بیش از پنج و حتی ده هزار زندانی سیاسی، گزافه نیست. اعدام - حتی اعدامهای دسته جمعی - در زندان های رژیم اسلامی پدیده تازه ای نیست. نزدیک ده سال است که مخالفین عقیدتی و سیاسی این رژیم در زیر شکنجه یا در پای چوبه های دار و تیرباران کشته می شوند و شمار آنان سربسته چندین ده هزار می زند. از داغ اعدام ضربتی دهها هزار جوان زندانی در چند ماه پس از ۳۰ خرداد ۶۰ هنوز دود اذل مردم بلند است، اما قتل عام اخیر از نسوع دیگری است. این کشتار، از نوع جنایت ساواک شاه است در اعدام فداشی خلق، بیژن جزنی و مجاهد خلق مصطفی جوان خوشدل و هفت تن دیگر از یاران فداشی و مجاهدان در تپه های اوین. این جنایت از آن قماش است، اما به ۹ نفر محدود نیست، هزاران برابر گسترده تر است، یک قتل عام واقعی، و ●●●

مردنکونان منمیردهرگز

هفدهم دی ماه سالروزشهادت غلامرضا تختی، قهرمان بنام کشتی ایران و جهان و محبوب ترین و نامدارترین چهره ورزش میهنمان است. این محبوبیت و ماندگاری، جدا از ورزش های ورزشی تختی، بدلیل ویژگی ها و خاصیت انسانی او نیز هست. عشق عمیق او به زحماتکش و کینه اش به ستمگران و ظالمین، دوری گزیدن از آلودگی ها و خمال سالن ها، از او تا مویچهره ای ماندگار برجای نهاد، و حتی برسکوی قهرمانی، اندوه های "غلی غمال" خانی آبا در فراموش نمی کرد.

بی اعتنائی ها و دست رزدن های بر سینه شاه و خاندانش، بی عنوان تجلی ستمگری و ستمگران، تلاش او برای یاری رساندن به مردم (حضور فعالش در کمک رسانی به زلزله زدگان بوئین زهرا)، عدم پذیرش پولهای کلان برای تبلیغ کالاهای گونه گون برخورد های انسانی و جوانمردانه اش با حریفان و... از او چهره ای ملی و شریف باقی گذاشت.



رؤیسم ستمگرو ظالم جمهوری اسلامی، هفدهم دی ماه را "روز ورزش نامنها ده است، تا با نام و یاد شریف تختی، برجانیات و کشتاکاری هاییش در عرصه ورزش سرپوش نهد، رجاله های حکومتی، بویژه دست اندرکاران امور ورزشی و تربیت بدنی، با نزدیک شدن این روز بیش از هر چیز تلاش میکنند تا تختی را به خدا و اندیشگی متحجرو عقب مانده خود منتسب کنند و فعالیت های سیاسی و اجتماعی او را در چارچوب اندیشگی و کردار غیر انسانی وسیعانه خود جا بزنند (سخنرانی حجه الاسلام جنابینکار "نا طاق نوری" چهارم آبان ماه ۱۳۶۷)

اما تردیدی نیست که اگر تختی زنده می ماند، امروز جمهوری اسلامی به مسلخ ستمگری وسیعیت خویش می کشاندش، چرا که ویژگی تختی دست برد زدن بر سینه، ظالمان و ستمگران بود، و چه رؤیسمی ظالم تر و ستمگر تر از رؤیسم جمهوری اسلامی؟ هفدهم دی ماه، "روز ورزش" می باید سوگوار و اندوهگین دور ویداد تلخ بود، "شهادت تختی" و احتفالی هر چه بیشتر بیما روبرو قبله ای که "ورزش و تربیت بدنی" میهنمان است، جنابانی که هر دو به دست ظالمان و ستمگران رخ داده است.

سرکوب" اصلاح نا پذیرها "

بکنیم"، او در ادامه سخنانش تاکید کرد که "سرکوب با بدویزه عنا صلاح نا پذیرها شد، در تمام دنیا همیشه انسانها می هستند که هیچ راهی جز سرکوب آنها نیست، آنها را ما باید سرکوب بکنیم".

اعتصاب در دانشگاهها

جمهوری بدون ذکر خبر اعتصاب دانشجویان اعلام داشت که "مقداری ناراضی در دانشگاهها به علت کثرت دانشجویان وجود دارد که کمبود کلاس، استاد، امکانات آزمایشگاهها، خوابگاهها، سلف سرویسها و در کنار آن ها گران قیمت عوام اصلی این ناراضیها هستند" و جای اینجاست که رئیس جمهور در ادامه حرفهایش اعتراضات دانشجویان را نتیجه وجود "عوامل گروهکها" عنوان میکنند و میگویند "البته در این میان تعدادی از عوامل گروهکها نیز می - کوشند از انتقادات بحق دانشجویان سوء استفاده کنند" (کیهان ۱۲ آذر ۶۷)

● هاشمی رفسنجانی در دیدار با مسئولین امنیتی کشور با توجه به "چگونگی شکل گرفتن کارهای اطلاعاتی" و "بیشرفت بسیاری که در این زمینه" جمهوری اسلامی داشته است، اعلام داشت که "ما باید ناراضی ترانشها را در هر جا که هستند از نظر ما جدا

● بدنبال اعتصاب دانشجویان دانشگاه شیراز که خبر آنرا در "پیاپی مکارگشماره قبل خواندید، طی چند هفته اخیر تعداد بسیاری از دانشگاههای کشور، از جمله دانشگاههای تهران، تبریز، ارومیه و... در اعتصاب بسر می بردند. این اعتصابات در دانشگاهها تهران با شکستن شیشه های سلف سرویس همراه بود. اعتصابها عمدتاً با خواستهای صنفی شروع شده اند و مطبوعات رژیم طبق معمول در این باره سکوت کرده اند تا اینکه در مجلس از طرف یکی از نمایندگان مسئله اعلام میشود. وی خواستار رسیدگی به خواسته های صنفی دانشجویان میگردد، و بالاخره رئیس

محدود شدن اختیارات مجمع تشخیص مصلحت

تهیه و تصویب قوانین جهت امور مملکتی میگردد. این موضوع که برای دور زدن مجلس و کنار گذاشتن رضی را جناح تندرو مجلس بود، مورد اعتراض نمایندگان جناح تندرو قرار گرفته و چندی قبل حدود صد نفر از نمایندگان طی نامه ای در این باره به خمینی شکایت کرده بودند.

● روز ۱۵ دی خمینی طی حکمی اختیارات قبلی مجمع تشخیص مصلحت را محدود کرده و در بین مجلس شورای نگهبان در موارد اختلاف بین این دو ارگان نمود. قابل ذکر است که مجمع تشخیص مصلحت که اساساً برای همین امر تاسیس شده بود، رفته رفته بی عنوان ارگان قانون گذاری را سامان میدهد

رؤیسم و آزادی احزاب

اهداف انقلاب اسلامی "کوشش نمایند، محتشمی در مباحثه مطبوعاتی خود، خصوصیات متقاضیان تاسیس احزاب سیاسی را داشتن حسن نیت، مدیریت قوی و تسلط بر سیاست داخلی و خارجی جهت حفظ نظام اسلامی دانست. یعنی معیارهای مربوط به انتخاب کارمندان سیاسی دولت!

وزیر کشور رؤیسم جمهوری اسلامی اعلام کرد که کلیه احزاب و گروههایی که قصد فعالیت سیاسی علنی در داخل کشور را دارند باید اقدام به کسب اجازه نمایند، طبق قانون فقها تنها احزاب و سازمانهایی میتواند تشکیل داده شود، رفته رفته گردند که "تعهد به حفظ رژیم" داشته باشند و برای تمام

ناراضی بودن مردم زقوه قضائیه

ولایت فقیه تاسیس شده اند... ولی فقیه میتواند این مراکز را منحل کند "به روایت دیگر ولی فقیه امری است مافوق قانون اساسی و هرگونه قانون دیگری، چون قاندر است قوانین بر فراز تمام قوانین موجود و حتی بر علیه آنها وضع کند، بطوری که تنها خود قادر به لغو آنها میباشد هیچ مرجع دیگری.

● در میزگردی که پیرامون قانون اساسی در دانشگاه تهران برپا شده بود، حجت الاسلام نصاری اعلام کرد که همه مردم زقوه قضائیه ناراضی هستند. او بدلیل "عمده این ناراضیاتی را نقض قانون اساسی" اعلام کرد، انصاری همچنین در پاسخ به سوال یکی از دانشجویان در مورد عدم ثبات قانون - گذاری گفت "شورای انقلاب فرهنگی، مجمع تشخیص مصلحت نظام و... در یک شرایط اضطراری و به مسر

کراچی: اعتراض علیه یورش مسلحانه مزدوران رژیم

شب همبستگی

با زندان نیان سیاسی در ایران



● این مراسم که در تاریخ ۵ دسامبر پس از یکسری آکسیونها از جمله تظاهرات ۲۶ نوامبر انجام گرفت، با اعلام یک دقیقه سکوت بابت دویچه جنترام مقامات و متهمان سیاسی زندان نیان سیاسی، این سراسر از آن تاریخ آغاز شد، با برنامهای متنوعی از قبیل اجرای موسیقی اصیل ایرانی، سرود و موسیقی کردی، نمایش فیلم و اسلاید، اجرای تئاتر، قرائت گزارش زندان، مقاله در مورد وضعیت زندان نیان سیاسی در ایران بزبان فارسی و آلمانی و شعر خوانی ادامه یافت.

در این برنامه یک هنرمند تریبی بنام رفیق اتوالدیون اشعاری از برتولت برشت، ناظم حکمت شاعر و انقلابی شهید سید سلطا شهر، همچنین یک خانم تریبی شعری از یک شاعر انقلابی کردیه زبان آلمانی بزرگوارین خواندند. در این برنامه بیش از ۲۵۰ نفر شرکت کرده بودند. برگزارکنندگان راهیمائی و شب همبستگی عبارت بودند از:

- ۱ - شورای دفاع از خلقهای ایران - وین
 - ۲ - سازمان دانشجویان ایرانی مقیم وین - هوادار چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رها شیبخش خلقهای ایران)
 - ۳ - هواداران حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی)
 - ۴ - هواداران چریکهای فدائی خلق ایران - وین
 - ۵ - هواداران سازمان کارگران انقلابی ایران (راهکارگر) - اتریش
 - ۶ - کانون پناهندگان سیاسی ایرانی در اتریش
 - ۷ - سازمان دانشجویان ایرانی - وین - اتریش
- هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)

زوربیک - سوئیس

اعتصاب غذا علیه کشتار زندان نیان

● کانون پناهندگان ایرانی در شهر زوریخ سوئیس در روزهای که اخبار جنایات رژیم اسلامی حاکی از قتل عام و کشتار دسته جمعی زندان نیان سیاسی ایران بود، برای دفاع از جان آنان و رساندن خبر این وحشیگری ها به گوش جهان نیان فراخوانی را برای یک اعتصاب غذای سه روزه از تاریخ ۹ دسامبر برای پناهندگان و ایرانیان آزاده منتشر نموده و متن آنرا برای سازمانهای سیاسی از جمله نشریه پیام کارگر ارسال نمودند. ما با درج این خبر حمایت و همبستگی خود را با تلاشهای آنان در حمایت از جان هزاران زندانی که در معرض قتل عام قرار دارند، اعلام می کنیم.

شده پناهندگان ایرانی به محض ورود به محوطه UN خواهان مذاکره با مقامات و همچنین اجازه ۴۸ ساعت تحصن و اعتصاب غذا در درون ساختمان شدند. اما مقامات مسئول UN، عوض پاسخگوئی به تقاضای حق طلبانه پناهندگان، تلفنی قرارگاه های پلیس را با خبر کردند.

نتیجه اینکه در ساعت ۲/۵۵ بعد از ظهر، پلیس یورش خویش را به داخل محوطه UN آغاز و با ضربات چوب، پناهندگان را به بیرون پرتاب کردند که باعث مضروب شدن چندتن از متحصنین گردید.

با خارج شدن پناهندگان متحصن، مسئول UN مزورانه تقاضای مذاکره کرد، که این بار توسط پناهندگان رد شد و در عرض متجاوزانه ۲۰ دقیقه آواره ایرانی شعارهای کوبنده ای را سردادند که عبارت بودند از: "UN، UN، فاشه کن، فاشه کن!" - مرگ بر خمینی - زندانی سیاسی آزاد با یکسره - جنایت مزدوران محکوم است، محکوم است - امنیت، پذیرش، مهاجرت سه خواست اصلی ما است - امنیت پناهنده تضمین با یکسره - ...

سرانجام ایرانیان پناهنده تصمیم می گیرند که پراکنده شوند (در ساعت ۲/۱۰ بعد از ظهر) و مبارزه خویش را بصورت افشاگریهای گسترده، تماس با خبرنگاران و مراجع بین المللی، ادامه دهند.

اعتصاب غذا، اعتراض به کشتار زندان نیان سیاسی

● روز دهم دسامبر، همزمان با روز جهانی حقوق بشر، تعدادی از ایرانیان مقیم شهر Weissen thurn آلمان، در اعتراض به جنایات فجیع جمهوری اسلامی و قتل و کشتار زندان نیان سیاسی بمدت سه روز اقدام به اعتصاب غذا نمودند. این اعتصاب غذا با حمایت گسترده مردم آلمان مواجه گشت.

● بدنبال حمله مسلحانه ایادی رژیم تروریست اسلامی، در ۵ دسامبر، پناهندگان ایرانی در کراچی، که منجر به شهادت یک تن و مجروح گشتن چهار تن دیگر شد، شورای پناهندگان و آوارگان ایرانی "در کراچی تصمیم گرفت در اعتراض به این حمله فاشیستی، و همچنین سهل انگاری و سکوت مقامات UNHCR کراچی، آکسیون را در جنب دفتر UN سازمان دهد.

"شورای پناهندگان... با همکاری کمیته پناهندگان بلوچ" مصادف بود که در روز ۷ دسامبر، اعتراض پناهندگان را در جلوی UN سازمان دهند. ابتدا حدود ۲ تن از پناهندگان ایرانی، وارد محوطه داخل UN شده و اعلام تحصن نمودند. هم زمان با این اقدام جسورانه که در ساعت ۱۰/۴۵ صبح صورت گرفت، بقیه پناهندگان و آوارگان ایرانی، در خارج محوطه UN، با بلند کردن پلاکاردها و سردادن شعار، حرکت اعتراضی را شروع نمودند. مجموع ایرانیانی که در این آکسیون شرکت داشتند، متجاوز از ۲۰۰ نفر بود، که در چند ماه اخیر با بقیه پناهنده است. این حد از تجمع در شرایطی حاصل آمد که به دلایل امنیتی شورا و کمیته از اعلام علنی و گسترده تاریخ برگزاری حرکت، اجتناب ورزیده بودند. در کراچی برپائی این آکسیون، همچنین تصمیم گرفته

حکم اخراج ۱۱ پناهنده ایرانی از آلمان

● بر طبق خبری که از طرف "انجمن ایرانیان کوبلنز" انتشار یافته "در حال حاضر در محدوده Mayen-Koblenz بیشتر از ۱۱ نفر پناهنده حکم اخراج دریافت کرده اند که تاکنون با وجود فعالیت وکلایشان هنوز موفق به تغیر برای دادگاه نشده اند. طبق همین منبع در آستردام یک جوان ایرانی که برای پنجمین بار تقاضای پناهنده گش رد شده بود خود را از بندر طبعه چهارم به خارج پرتاب کرده و بدین وسیله خودکشی کرده است.

برای نجات جان زندانیان سیاسی بپاخیزیم!

نورنبرگ - آلمان فدرال

دانمارک - کپنهاگ

در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی در ایران

اعتصاب غذا و راهپیمایی

علیه کشتار زندانیان



"جمعی از بنیادگذاران سیاسی ایرانی" به همراه برخی از نیروهای سیاسی در اعتراض به اعدام زندانیان سیاسی از تاریخ ۱۲ دسامبر ۸۸ دست به تحصن و اعتصاب غذا زدند، این حرکت اعتراضی که از حمایت وسیع ایرانیان و نیروهای سیاسی مترقی و انقلابی از جمله رفقای هوادار زمان ما برخوردار بود بعد از چهار روز ادامه داشت.

متحصنین در روز آخر (۱۶ دسامبر) با اعتصاب ۲/۵ بعد از ظهر در میدان شهرداری کپنهاگ اجتماع کرده و بعد از ساعت شش و "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "زندانی سیاسی آزاد یا بیدگردد" را سر دادند و بدین وسیله افکار عمومی دانمارک را متوجه جناح پنهانی بیستامروزیم جمهوری اسلامی ساختند.

ساعت ۳/۵ همان روز قریب ۲۰۰ نفر ایرانی و دانمارکی با صف منظم و با حمل مشعل های فروزان راه سفارت جمهوری اسلامی را در پیش گرفتند، در مسیر راه پیمایی عده ای از مردم دانمارک با مژگانها پلاکاردها بسا خریدن برجسبهای حمایت از زندانیان سیاسی به صف راهپیمایی پیوستند، و بدین وسیله صدها نفر با اجتماع در جلوی سفارت جمهوری اسلامی نفرت خود را از اقدامات جناح پنهانی رژیم برای زندانیان شرکت انبوه زیاده دمی در این حرکت اعتراضی نشان دادند. همدردی بخش بزرگی از بنیادگذاران سیاسی ایرانی با زندانیان در بند می باشد.

انسانیت است، "مرگ بر جمهوری اسلامی ایران" و "برای آزادی بیش از ۱۰۰ هزار زندانی سیاسی ایران بپای خیزید" ... با احساس همدردی مردم شهر نورنبرگ و پشتیبانی حزب سبزها و حزب کمونیست آلمان و شهر آزاد بنیادگذاران نورنبرگ و روبرو شدند، اخبار مربوط به این نظرات از آرا دیسکو (آرا دیوی مترقی شهر نورنبرگ) و آرا دیوفا نکسن بخش گردید، نظرات هر کس که با بخش اعلامیه از کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، سازمان عفو بین المللی و احزاب و سازمانهای سیاسی و انسانی دوست دعوت کردند که به این جنایات اعتراض نموده و خواستار آزادی زندانیان و لغو حکام اعدام و قطع کشتار زندانیان سیاسی شوند، اعلامیه مزبور به سازمانهای زیر ربط ارسال گردید.

خبری را که در زیر می خوانید توسط تظاهرات کنندگان در شهر نورنبرگ برای پیام کارگر ارسال شده است. ما عین خبر را برای اطلاع خوانندگان خود درج میکنیم:

"بدنبال انتشار اخبار کشتار زندانیان سیاسی از ایرانیان مدافع حقوق زندانیان سیاسی روز جمعه مورخ ۸۸/۱۲/۲ دست به تظاهرات ایستاد در مرکز شهر نورنبرگ در کلیسای لورنس زدند، در این حرکت اعتراضی حدود ۵۰ نفر از ایرانیان به اتفاق نیروهای آلمانی و ترک با حمل شعارهایی با مضمون: "به کشتار زندانیان سیاسی ایران پایان دهید"، "رکورد جنایات خمینی قتل عام بیش از ۱۱۴۰ نفر در کمتر از سه هفته"، "برابری زنان و مردان در ایران، برابر برتری در قتل عام است"، "همبستگی با زندانیان سیاسی ایران، همبستگی با

وین - اتریش

شب همبستگی با زندانیان سیاسی در تظاهرات علیه حمله خون در ایران

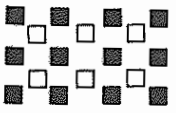
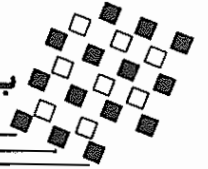


بدنبال انتشار خبر کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی، تجدید محاکمه، محکومین و نقل و انتقال زندانیان سیاسی و در یک کلام قلع و قمع و نسل کشی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی و جمعیتی از تشکلهای هوادار سازمانهای سیاسی و تشکلهای دمکراتیک مقیم وین. از حدود یک ماه قبل دست به سازماندهی یک سری برتنامه های افشاگر علیه رژیم اسلامی در سطح شهری زدند، این برتنامه ها از جمله شامل برگزاری چند نمايشگاه عکس و بخش اعلامیه در سطح وسیع برگزاری یک راهپیمایی اعتراضی، اعتصاب غذا، تلگرامها تلکسها برای مراجع حقوق بشر و شب همبستگی و ... میشد.

تظاهرات در تاریخ شنبه ۲۶ نوامبر و شرکت جمعی از هموطنانمان و نیز تعدادی از مردم اتریش انجام گرفت، در طول مسیر راهپیمایی شعارها و محکومیت ترور شکنجه و اعدام، دفاع از آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی، دعوت افکار

راهپیمایی تکرار گردید، راهپیمایی با قرائت اعلامیه برگزار کنندگان تظاهرات و تکرار شعار زندانیان، همبستگی بین المللی پایان یافت.

عمومی اتریش و محافل بین المللی برای همبستگی با خلقهای ایران بویژه خلق تهران کرد، محکوم نمودن رژیم در سرکوب خلق رزمنده کرد، از سوی



به بها نه: سینما در چنبره نبوغ فقها - پیام کارگر شماره ۲۹

..... غروب غریبی بود - غروب که نه، شاید وقت سی بود که دیگر نه آسمان بود و نه زمین.

"هنگامی که زمین را تلاطم حیرت انگیز می‌آید عجیب و باور نکردنی، که به شکل شکل ویدیو - انگارانه خواب زده - درخورد می لولید، "تو" میزد و بعد "وا" میزد - گم شده بود.

تو گوئی هرگز نه زمان بود و نه مکان. مه دره ای ژرف را پر کرده بود و لبریز و آسیمه سر بردشت خزیده بود و با هیا هوئی بی صدا و مرموز - شتاب زده و بی مه راهمه جا را فرا گرفته بود - فقط گاه سر شاخه های سوخته و پیریشان درختان لاغر و تنگ افتاده - فاصله به فاصله، از آن شبوهی مه - سرک می کشیدند.

آنجا یکی از ارتفاعات شمال ایران بود و من - بلکه دیگران هم - تا آن لحظه چنین شکوه و بداعتی را ندیده بودیم. همگی گرچه خسته و نفس بریده، اما تخیل زده و به حیرت آمده، بدنبال یافتن مکانی برای نشستن - همان شبوه و غلیظ زیر پیمان را پس میزدیم، که دفعتاً با بستری از شقا پتقه های سرخ یکدست، که بر شیب آرام تپه ای گسترده شده بود، رو بر او شدیم - رمز زیبایی بود و دراز شکفتن و رستن - که میان مه مستور مانده بود و ما همچنان شگفت زده و مبهور، میان شقا پتقه ها لو شدیم و به نظاره نشستیم، که گل های کوفتند - زنگوله زنان از پس مهبیرون جستند و اطراف ما را گرفتند و در پی، چوپان میان قدویا لا - من و زنده پوشی - چالاک و سرحال سرسید و بی تکلف و تعارف میانمان نشست - سلام گفت و با نگاه تیز و کوتاه دریا فت که اهل آن دنیا نیستیم - از سواحل فیلم برداریمان شاید چیزی گنگ دستگیرش شد. اما قطعاً نفهمید که ما بعنوان یک گروه فیلمساز برای انتخاب محصل فیلم برداری (لوکیشن) تا بدانجا، راه دشوار و طولانی را طی کرده ایم. یعنی دانشمدرس چه گذشت که - دفعتاً سرگفتگورا با این جمله با زکرد:

..... آقا جان عمری از ما رفته... زندگی ما همش تو همین دشت و بیابان، بدنبال بهشت حیوان زبون بسته گذشته... دهاتی ام... ما سرد و گرم چشیده و دنیا دیده ام...! حدشا که سهله... محمد شاه هم یا دمه... رفایان پالانی و پسرش و بعد ما - حکومت... که خب شما هم میا دوتونه... و بعد بخنده کلام بریده بریده و گسیخته اش را خورد و ناگهان خنده بر چهره اش ما سیدورک و خشن ادا مده داد: اما آقا جان این حکومت آخری را گمان ندارم که هیچکس در هیچ کجای دنیا دیده باشد.

همه سکوت کرده بودیم و نمی دانستیم از کجا با او گره بخوریم - ولی او منتظر ما نبود - با حالتی متغیر و بیانی محکمتر - بر روی تنک و آله های جمله ای که گفت تکیه کرد و بعد همان گونه که بی مقدمه آمده بود - از جای برخاست و بدنبال گوسفندان، در مرفورفت - و حتی دیگر مدای زنگوله های گل های

اپورتونستی همواره بیشترین خدمات را به "غالبا" عرضه داشته و بزرگترین ضربات را به "مفلوبیا" وارد آورده است.

اما غرض از این نوشتار - گذشته از موضوع "محمود قنبری" ها و نیز حساسیت خود من نسبت به جریانات هنری ایران - یکی هم "تعجب" بود که چگونه یک شریه سیاسی - سرانجام پس از سالها تن به بلا می دهد و از یک سبیه نگری صرف سیاسی دور می گذرد و به طرف خود نیمی نگر و تارخی جهان را از بدو تولد خودش نمی بیند و درمی یابد که فرهنگ یک جامعه معنای عام کلمه و "هنر" به مفهوم خاص آن - بمنجا به مهمترین شالوده فکری انسان - چه اهمیت حیرت انگیزی در دگرگونی جامعه دارد.

حالا نیروهای بالنده و مترقی ما فیلم می - بینند - تا ترمی روند - در نشریاتشان نقد می نویسند و بی گمانانه هنرمندان را جستجو میکنند و به این درک میرسند - هر چند خیلی دیر - که حکومت ها منهای تیرو تفنگ و غل و زنجیر - اشکال برساتب قوی تری را - حتی از منبرهای ۱۴۰۰ ساله شان - برای جهت دادن و تحمیق نمودن مردم در اختیار دارند که در جای خود میتوانند بسیار خطرناکتر از هر حرفه ای باشند.

نمیدانم تا پیدا بین جمله زلنین با شد که: "دوربین سینما را به دستم بدهید تا جهان را فتح کنم" و این گفته ای است دقیق و واقعیتی ملموس که هنوز در اشکال جدیدش سینما - تا چه میزان به لحاظ تاثیر گذاری بصری بسیار قوی اش - بویژه بر جوانی معنی نظیر ما قاراست نقش تعیین کننده و بسا دستکم جهت دهنده داشته باشد. آنوقت درمی یابیم محمود قنبری ها و صد ها ما ننند و که شا بدنا نشان را نشنیده و یا هرگز نشنوده، چگونه به مراتب جنایت - کارانه تر از لاجوردی ها و کیلانی ها - عمل کرده و در تحمیق و استعرا رژیم و به تبع آن در تحمیق توده ها کوشیده اند. منتهی یکی فیزیک و تن و توش جا معرا هدف قرار میدهد و دیگری روان و اندیشه آن را.

با بدگفت هنرا مروز بویژه تا تر، سینما و تلویزیون قبل از هر چیز فن است و تکنیک و ناگزیر هنرمند علاوه بر دیدگا های حسی و هنری - نیاز به آگاهی های تکنیکی دارد اما ما خلق عناصر هنری برای حکومتی که بوئی از آن نبرده و اطلات دیروز با آن در ستیز بوده و هنرمند را "مطرب" و هنر را "مطرب بازی" تلقی میکرد است - به ما دگی میسر نیست مگر آنکه به نخبگان و تجربه دیدگان آن (همان مطربان به نزع و) - که طبعاً همگی به دوران گذشته تعلق دارند چشمه داشته باشد؛ با لایحه با بدبرنا - های تبلیغی رژیم - با آن سیستمهای عریض و طویل بجای مانده ز گذشته، کارگزارانی داشته باشد - نمازهای جمعه را با بدپخش کرد - تما و سیر

هم بگوش نیامد. او گفت: "این حکومت آقا جان شاید تنها حکومت دنیاست که با دست بظا هر مخالفینش اداره میشه، و نه موافقینش" لحظه ای همه ما ندیم - بعد دریا فتمیم عجب جمله ای شنیدیم - بخود آده اندیشیدیم که شاید سیاسی ترین جمله ممکنه را که سخت با واقعیات موجودا بران منطبق بود - در مکانی که نیا بدواز فردی که هرگز انتظارش را نمیرفت شنیدیم: "این حکومت آقا جان، شاید تنها حکومت دنیاست که با دست بظا هر مخالفینش اداره میشه و نه موافقینش، بدنبال او از جا پریدیم - اما همچنان انبوه بود که دیگر امیدیه یافتنش نبود، در حالی که دیگر آن همه شکوه و جلوه خیال انگیز طبیعت، در برابر عمق واقع گراشی تک جمله آن پیرزنده پوش بیابانی، ابهت چند لحظه قبل را نداشت.

* * * * *

"حکومت خمینی توسط بظا هر مخالفینش اداره میشود و نه موافقینش" اگر نگوییم این کلامی است سخت مایوسانه - اما درینفا بلحاظ واقعیت های موجود سیاسی - اجتماعی فعلی ایران و نیز به دلایل مشهود و مثبت با بدید پیریم که به قدرت رسیدگان حکومتی واقعا مدیون (بخش قابل ملاحظه) مخالفین ظاهری خود هستند - چه نمونه بارز، کوچک و بی مقدار آنرا که شاید شما دوستان تما دفا با نام او بر خوردید - در شماره ۲۹ پیام کارگر در مقاله کوتاهی بنام "سینما در چنبره نبوغ فقها" خواندم.

جمله آن پیر مرد مطمئناً شامل افرادی چون "محمود قنبری" ها میشود که نمونه ای است برخیل فرصت طلبان مطلع و بظا هر مخالف و روشنفکر نمایان دست دوم و شخ نما شده ای که با چند چهرگی، تا راه وقت به ترخ روز میخورند و فرق ندارند که تا شیرایین مزدوری در روند فرهنگی جامعه چه باشد.

البته متاسفانه ریشه تاریخی این منش در تاریخ حداقل هزار و چهار صد ساله اخیر ما بسیار قوی بوده است - که گاه به غلط و نیز از سر تبعیر و توجیه خود را عملشان را "استحاله دشمن" نامگذارده اند. از بر مکیان و اقلین های ایرانی تبار گرفته (در دربار عباسیان) تا جویینی های بظا هر وطن پرست! (در بارگاه مغولان) و سراسر سلسله قاجاریه... البته تا به بعد - جای جای خیانت های جبراننا پذیر عمارت بظا هر مخالف و مصلحت گرا که بیش از آنکه خود را بشند در تحمیق و تداوم نیروهای غالب موشربوده اند - دیده میشود. و حتی در شرایط کنونی "حزب توده" مشخصه و نمونه بارزی از این نوع عناصر است و بقول دوستی: حزب توده دروا قسح هزار و چهار صد سال است که در ایران قدمت دارد و نه چهل سال - و به شهادت تاریخ ما - که تا ریخ "اگرها" و "مگرها" است - این روحیه انفعالی و

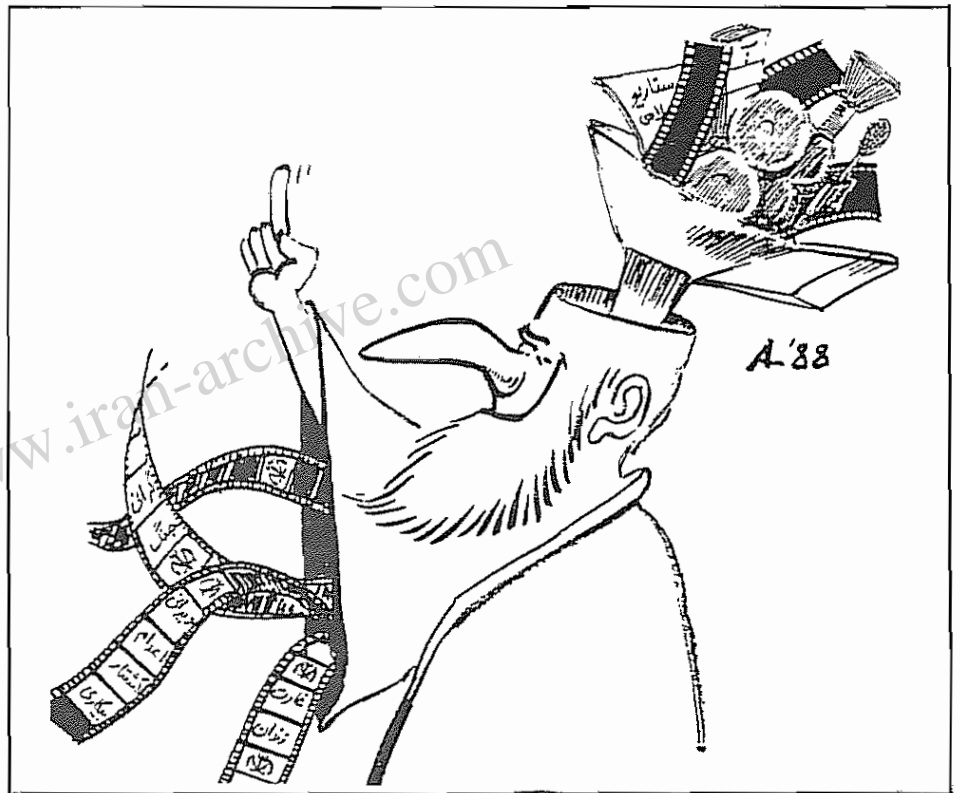
فیضیه قم به مالاها فن سنا ریونویسی آموزش داد و دور- بین فیلمبرداری در اختیارشان گذاشت. تاریخیم با هیا هوتیلیفانت، با اصطلاح جا بزه مهم جشنواره "فجر" را به یک آخوندبعضوان بهترین فیلمسازان هدا کند - واقعا خنده آوراست. اما رقت انگیزتر این است که بداند مهمترین مسائوری و با زمین فیلم چه در سینما وجه در تلویزیون فردگا ملا نا بینا نی است بنا ام رگانی که یکی از همان بچه مالاها ی قم و دست پرورده امثال "نا در ابراهیمی" هاست. که برای تصمیم گیری برای نمایش ویا عدم نمایش فیلمها - فقط وانظر میدهد- آنهم بدلیل نا بینا نی ویا توضیح شفا هی محنته به محنته فیلمها توسط وردستان بینایش. دیگر چه میتوان گفت در مورد سازمانهای دیگری که با مددعنا صربینا و آگاه نظیر قنبری ها، ابراهیمی ها، متوسلانی ها و ده ها نامهای آشنای دیگر که بطور مثال ارتجاعی ترین کانون های فیلمسازی مانند "حوزه هنرو اندیشه سازمان تبلیغات اسلامی" را با پولهای فراوان و امکانات تکنیکی مدرن و وسیع برآورداختند. تا چهره های تا بنا کی مانند "رگانی" ها به جا معهنری ایران ارائه دهند، آنهم کارگردانی بنام "محسن مخملباف" که بدلیل مصرف نگاه توبیسی حساب و ساختن ترهاتی نظیر فیلمهای "چون دو چشم بیسو" و امثالهم مشهور به "محمل باف" شده است، فیلسوف، قصه نویس، سناریست، نمایش نامه نویس، نظریه پرداز (در مورد جن و پری - عاقبت خوبی و بدی - روح و جسم و جهنم و بهشت) و البته کارگردان بزرگ سینمای جمهوری اسلامی که به اعتقاد خود دوجا میانش سینمای آینده جهان مدیون او و نوآوری هایش در رسیدن به مرزهای نوین سینما - که فعلا جا معهنری بویژه فیلمسازان و هنرمندان دیگر، عاجز از درک آنند - خواهد بود!

و حال - طبعاً بسیاری از هنرمندان استخوان خرد کرده ایران قاربه ادا مع فعلیت در آن محیط پریشان و کابوس زده نمی شوند:

حسین پرورش استادان گذشته هنرهای زیبای دانشگاه تهران و یکی از بازیگران خوب ترو سینما چند روز پس از دریافت جا بزه اول فستیوال سینمایی فجر از کشور میگریزد. امیرنادر فیلمساز خوب ایران پس از ساختن فیلم پر سر و صدای "دوند" هنگامیکه به فستیوالی به استرالیا دعوت میشود. دیگر به ایران با زمنی گردد، بهرام بیضایی فیلمساز صاحب سبک و هنرمندان بزرگ معاصر ایران پس از ساختن فیلم جنجال برانگیز "شاید وقتی دیگر" مملکت را ترک میکنند. سوسن تسلیمی با زیگر خوب ترو سینما - فیروز ملک زاده فیلمبردار ریشتی فیلمهای خوب ایران (دوند، غریبه و مه ۰۰۰)، فرخ مجیدی فیلم بردار زشمند سینمای پیشرو ایران، رفا علامه زاده فیلمساز و قصه نویس و ده ها هنرمند دیگر، علیرغم موقعیتهای مناسب اقتصادی - اجتماعی تن به آن فضای مسموم و ادا معا ردر شرایطی آنچنان رانی - دهند.

حال چه میگوئید؟ شاید "محمود قنبری" ها که حتی در ایران نیز بسیاری نام و نقش او را به درستی نمی شناسند - بعنوان همان "مطربان" و "عمله جانتا"

محمد علی نجفی" با هزینه ای بیش از ۲۰۰ میلیون تومان ساخت و نهیها تا کارگردان آنرا که اتفاقاً از دوستان نزدیک موسوی نخست وزیر فعلی است - بدلیل سوءاستفاده های مالی (بخوان بختها نی خوردن) و اعمال به اصطلاح خلاف اسلامی در حین تهیه فیلم (داستان روابط مشروع و نامشروع ایشان تقریباً در فضای فیلمسازی امروزی ایران مشهور است) در دادگاه ویژه ای در نخست وزیری محاکمه کنند. آیت فیلم نام موسسه ای بود که در اواخر رژیم گذشته با کمک مالی بازیگران تاسیس شد - نجفی و همکارانش یعنی موسوی نخست وزیر فعلی بعنوان سناریست، محمد بهشتی و انوار مسئولین فعلی امور سینمای کشور و معانی و نین خاتمی در وزارت ارشاد - فرارز قریبیان - بازیگر فیلم گوزنها ویا بازیگر فعلی اکثر فیلمهای تبلیغی رژیم (سفیر - ساخته فریبرز صالح - تهیه کننده سبها و ساداران)



و تنی چندا ز فراریز و درشت دیگر که اکنون علاوه بر تلویزیون - وزارت ارشاد و امور سینمایی بنیاد مستضعفان - از طریق موسسه نوبنیادی بنام "بنیاد دفاعی" مهاجران مل سینمای کشور را در اختیار دارند. فیلم می ساختند (ظهرا طهر - ساخته محمد علی نجفی سال ۵۷) و اجرای چندتا ترانه نیم بند صحنه ای - ابودروا مثلاً - از نوشته های علی شریعتی در حسینیه ارشد تهران).

نمی توان در حالیکه دهها فیلمساز و هنرمند ایرانی به دلیل شرایط موجود در ایران - تن به آوارگی ویا زندان میدهند - ویا در گوشه و کنار ردق مرگ میشوند (غلامحسین سعیدی - علیرغم نمانم کاری و کجروی های سیاسی) امثال روشنفکران به ظاهر مخالف چون "نا در ابراهیمی" قصه نویس - محقق - سناریست و کارگردان فیلم آتش بدون دود - و از مشاوران ویرانه ریزان رضا قطبی - مدیرعامل رادیو تلویزیون ملی ایران - در رژیم گذشته - در

مشتی جا هل که ملا بنا به نیت و نوع تفکرشان، عمیقاً ضد فرهنگ و هنرمند میباشند - نمی دهند نمی توانند در حالیکه جنگ خانمانسوزی طومارملتی را در هم می - پیچد فیلمهای مضحک بسازد: (گفتشای میروزا نوروز - ساخته محمد متوسلانی - شخص ایشان همان طور که بیاد دارید از هنرپیشه های دست چندم فیلمهای مبتذل گذشته بود و حال در کنار ساختن فیلم - کارهای شبیه محمود قنبری انجام میدهند و آب توبه بوسر فیلمهای غیرقابل نمایش بزم وزارت ارشاد - می ریزد)

نمی توان هنگامیکه مدها کودک درجننگ قریبانی میشوند - مدرسه موشها (در برنا مه کودک تلویزیون - مرضیه برومند و در سینما - طالیسی) ساخت نمی توان در حالیکه کارمندان دولت از زور پستی و فشارهای خفقان آور اقتصادی تن به هسر استشاری میدهند - با هزینه تلویزیون دولتی اسلامی سریال تبلیغی و بی سروته "سربداران -

سئون آزاد

درپا سخ به مقاله خانوادها و ازدواج

"میترا"

ندا شدن زن نمی توان خلاصه کرد، این تنها یک وجه قضیه است، وجهی که نقش قابل توجهی را در جامعه ما (ایران) بازی میکند. اگر در ایران به خانواده‌ها نگاه کنیم، زنان کارمند و کارگری داریم که حقوق خود را دارند ولی همچون زنانی که هیچ حقوقی در خانواده ندارند عمل میکنند. ادامه زندگی با مردی که به او علاقه‌ای ندارد، ادامه زندگی بعد از یک ازدواج اجباری تنها شامل زنان بدون استقلال اقتصادی در جامعه ما نیست، از عوام مسل دیگری که نقش قابل توجهی در این زمینه بازی میکنند، میتوان فرهنگ جامعه و فرزندپروری ما را بررسی کرد. کمی بیندیشیم، به یک زن مطلقه در جامعه ما چگونه نگاه میکنند؟ با قانون ارتجاعی خانواده در رابطه با سرپرستی از فرزند چه حقوقی به زن داده اند، ما زنانی را در جامعه ما دیده ایم و خواهم دید که چه مشقاتی را قبول میکنند تا بتوانند در کنار فرزند خود زندگی کنند، زندگی برای آنها بدون جگرگوشه‌ها و پشیمان‌هاست. ترا زندگی زیر فشار مردی است که او را دوست ندارد و در آنجا در آن فکر میکند بعد از این به کجا می‌رود، زیر فشار پدر و برادرها - پسران و پسران دیگر از مردی دیگر که تا فته‌ای جدا با فته از آن جا معنی نیست، زیر دست مردانی که شربیت شده، همان جا معنی مردان دارند، پس راه گریزی ندارند، زنان در ایران که تجربه دوزندگی را با دوزمرد مختلف دارند، چیزی جدا از این نمی‌اندیشند که همه مردان چنین هستند، برای محبت این زنان بنشینیم تا به این واقعیت هولناک بپوشیم، بپوشیم. او اما در خارج از کشور همه‌ها هدایا را رفتن در مصداق بین ایران و ما هستیم، زنان به تنهایی میتوانند از حقوق اجتماعی استفاده میکنند، به‌به‌به زنان تعلق می‌گیرد، بدین ترتیب میتوانند جدا شوند و زندگی خود را داشته باشند. ولی این مسئله در اکثر زندگی‌ها هیچگونه تفاوتی بوجود نیاورده است، زنان و مردانی که بدون عقد شرعی زیر یک سقف قرار می‌گیرند با زمان روابط خانوادگی‌های سنتی و ازدواج‌های سنتی را با تولید میکنند. تا حدکثک خوردن زنان از "دوستان" مردشان هستیم، هنوز بدون اجازه "دوستان" بخوانید "شوهر" خود حق رفتن و آمدن به محله‌های مورد علاقه شخصی‌شان را ندارند و علاقت خود را سرکوب میکنند، از طرف "دوستان" به مرگ تهدید میشوند، به صورتها پشان اسیدپاشیده میشود، چشمها پشان با تیغی از کاسه بیرون می‌آید، بله، این واقعیت‌های موجود است، واقعیت‌هایی که سخت‌تر از دهنده است. پس مسئله صرفاً برای این نیست که دین، استقلال اقتصادی دارد یا نه، عقد شرعی را در دنیا نه، مسئله بر سر فرهنگ مردسالارانه است که زن را به "جنس دوم" و "زیر دست تبدیل کرده است که متأسفانه بخش عظیمی از زنان خودنیز

میکند.

و در ادامه می‌نویسد:

"بنا بر این لازم است ضمن مبارزه با انحرافات زنان فمینیست نقطه وحدت خود را که مبارزه با فرهنگ مردسالاری است با آنها تقویت کنند." (تاکیدها از ما است)

حال از این بگذریم که شما بر این اعتقاد هستید که ستم‌جنسی چیزی جدا از طبقات است و همه زنان بدون توجه به اینکه به چه طبقه‌ای وابستگی دارند مورد ستم‌جنسی قرار می‌گیرند، این نظر ناپسند دورداشت که وابستگی‌های طبقاتی تنها شدت و ضعف این ستم را تغییر می‌دهند، در قسمت اول بحث صرفاً می‌خواهم توضیحی در رابطه با شکل برخورد و نقد مقاله‌ای بدهم که تاجانی که می‌توانیم سعی کنیم با دیدی غیر جانبدارانه بحثها را بخوانیم و برخورد کنیم، تحریف نکنیم، سرکوب نکنیم و از قدرت تفکری و ایدئولوژیک خود کمک بگیریم.

قسمت دوم بحث شامل "خانواده" و "زندگی مشترک (بدون عقد شرعی)" که برای ما که در خارج از کشور از محیط آزادی در این زمینه برخورداریم مطرح شده است و بحث انگیز است، بگذریم از کسانی که حتی نام خود را "کمونیست" می‌گذارند و برای ازدواج حتی با رفیق تشکیلاتی خودشان در همین خارج از کشور در برمی گردند که آخوندترک یا عربی پیدا کنند تا هم‌وابستگی و زندگی مشترک خودشان را "شرعی" کنند.

مطرح کردن بحث‌های جدید همیشه یکسری وظایف آزاداندیشان و نیروهای انقلابی بوده است، آنها هرگز این ترس را به دل خود ندارند که فلان بحث یا مسئله در جامعه کشش دارد یا نه، آنها پیشگویی نمی‌کنند، بر مبنای وقایع تاریخی مسائل را تحلیل میکنند و با توجه به شرایطی که در آن قرار گرفته اند شکل مطرح کردن بحثشان را تعیین میکنند، از مطرح کردن واقعیات چشم‌پوشی نمی‌کنند، بلکه بهترین راه را برای بیان آن پیدا میکنند، این مسئله را هر کسی که کوچکترین آشنایی با مبارزه سیاسی داشته باشد، یا دیده است و یا در تجربه‌های شخصی آنرا لمس کرده است، خاموش ماندن در مقابل تحریف‌گری یک جا معنی عقب افتاده و مسکوت گذاشتن برخورد به "اعتقادات مردم" را به آنجا می‌کشد که اشتباه گذشته خود را دوباره تکرار کنیم و با این بهانه که مردم ایران همه مسلمان هستند، به مذهب کاری نداشته باشیم، و کاری نداریم تا بخت جمهوری اسلامی بر سرمان ظاهر شود. و اکنون مسئله "خانواده" و "زندگی مشترک بدون عقد شرعی" (بوجود آمده است، آزادی و رهائی زن را برای یک انتخاب آزادانه برای یک زندگی مشترک تنها به استقلال اقتصادی داشتن با

در چندین شماره نشریه "پیام‌کارگر" نوشته‌ها شده است. در رابطه با مسئله "زن و خانواده" آمده است که هر کجا ما نوشته‌ها بجای خود قابل بررسی هستند و در عین حال که نکته‌های مثبتی در هر کجا خوابیده است، ولی با رفتن و برداشته‌های یک بعدی و غلط در آنها بیشتر چشم می‌خورد، نمونه‌ها را را می‌بینیم؛ در نوشته‌ای که به "مضای" در "پیام‌کارگر" شماره ۱۲ آمده است، بنظر ایشان سعینا "تشکل مستقل دمکراتیک زنان اروپا" گناه کبیره‌ای انجام داده است که به یکی از مسائل زنان که مسئله خانواده و ازدواج سنتی است پرداخته است، واقعاً چگونه میتوان از این گناه کبیره گذشت، آیا دید - گاهی که "پیام‌کارگر" را که بدرستی اخبار مبارزات ایران را مضمون‌دار درج می‌کند و بدون تنگ نظری که آیا این گروه‌های وابسته با زمان آنها هست یا نه، برای آنها آرزوی موفقیت میکند، محکوم می‌کند و به یاد انتقاد می‌گیرد با این شیوه تفکر آینه‌ده خوشی برای ملت ما که همیشه زیر تیغ سانسور بوده اند به ارمغان خواهد آورد، این تنها از بعد اجتماعی و آزادی‌های مطبوعاتی است، از آنجائی که ما ملایمانی داریم چه کسی و با چه تفکراتی برخورد می‌کنیم مشکل است که نوشته او را به نقد بکشیم، چون اگر تقدیم "ازدواج سنتی" را از نظر او بگیریم میتوانیم بگوئیم یک فراموشی است و خوب با یک فراموشی نمی‌توان صحبت از "زندگی مشترک" و "رابطه جنسی آزاد" و "بدون عقد شرعی" کرد. ولی به صورتی که می‌خواهیم "پیام‌کارگر" این فرصت را در اختیار همگان بگذارد تا با نظرات متفاوتی که در بین ایران و وجود دارد بیشتر آشنا شویم، تنها بتوانیم روشن تر بحثها را به پیش ببریم. از گونه برخورد های سرکوبگرانه، که از شیوه‌های کهنه شده دستگای حکومتی است، در نوشته "ملکوبیان" در "پیام‌کارگر" شماره ۲۵ "می‌خوانیم، که "تن‌را که در "پیام‌کارگر" شماره ۲۱ نوشته‌ای در همین مورد داشته است مورد تکفیر قرار می‌دهد که چرا از "ویلhelm رایش" فاکت آورده است، چون به نظر ایشان به علت اینکه "رایخ" از حزب کمونیست آلمان و کمینترن در سال ۱۹۳۴ که حقیقتاً دوران استالین بر سر همه احزاب با برادری‌ها به افکنده بوده، اخراج شده است و حتماً یک فرد خارجی هرگز حرف درستی نزده است و نمی‌تواند بزند، در مورد دیگر تحریف بحثها و نظرات است، اگر "ملکومیا" "نا خود آگاه" فمینیسم "به طور عام محبت میکنند و این را به "تن نسبت می‌دهد که گویا "تن" زنان را به مبارزه بر علیه "فمینیسم" قرار داده است. با این مقاله "تن" را دقیقتر مطالعه کند. "تن" در "پیام‌کارگر" شماره ۲۱ می‌نویسد:

"زنان کمونیست با انحرافات زنان فمینیسم که ستم‌جنسی را جدا از ستم طبقاتی می‌بینند مبارزه

از صفحه ۱

به جلادان فرصت...

زندانیان و آثاریان برافکار عمومی و اعتراضاتی که به همراه داشته محو بی رنگ گردد. بی شک رژیم جاهل و جنایت جمهوری اسلامی در انتظار از تب و تاب افتادن اعتراضات در عرصه جهانی و فراموش شدن حادثه است، تا بی درنگ طرح تنگین و نیمه تمام خود را به پایان ببرد. اگر در فضای سیاسی چنین احساس میشود که گویا، موج بلند عداوتها فروکش نموده است این خود می تواند حیلله ای در دست رژیم باشد تا از آن برای اغفال اپوزیسیون و گذراندن موج حملات تبلیغاتی بین المللی استفاده کرده و کار را به اصطلاح یکسر کند، بنا بر این در حال حاضر ما باید در کنار رفرا هم آوردن مقدمات تریا کردن مجدد نظرات و آکسیونهای گسترده و سراسری که تا روزه دسامبر، یک دوره از این رشته فعالیتها با موفقیت انجام رسید، آکسیونهای تبلیغی پرتحرک و همگانی را ادامه دهیم. مسئله نقض حقوق بشر و ادامه عداوتها را به پایان ما ببریم و خواستار صدور قطعنامه‌های در محکومیت رژیم اسلامی شویم. با جمع آوری مدارک و اسناد ادامه ما، احزاب، سازمانها و شخصیتهای سیاسی را تشویق به اعتراض به رژیم کنیم. با مراجعه به دفاتر روزنامه‌ها، خبرگزاریها، در هر جا که دسترسی داریم، مسئله ایران را مطرح کنیم. و در سطح نیروهای ایرانی، همچنان روی حلقه ایجا دکمیته‌های اقدام و عقدا تا عملها بکوشیم.

ستون آزاد

این فرهنگ را از طرق گوناگون با ز تولید میکنند. با تمام ادعاهای که بخشی از زن "فمینیست" ما دارند که ما چنین و چنان هستیم، برخوردارها نشان را در مقابل دوستان مردشان و با در رابطه با تربیت فرزندان نشان به یزدره بین ببرید تا فاجعه باز تولید فرهنگ مردسالارانه را بدست کسانی که خود قربانی این سیستم هستند ببینید.

ضعف و کمبود همه بحثها این است که تک بعدی داستاها را بررسی میکنند. جنبه‌های مختلف آنرا در نظر نمی گیرند. متاسفانه در یک نوشته کوتاه برای یک نشریه خبری بیشتر از این نمی توان مسئله را با زکرد. ولی اگر بتوان این بحث را به شما راه‌های مختلف نشریه‌کشانند به شکل سلسله مقالات در آورد آنگاه میتوان در هر شماره یکی از این عوامل را بررسی کرد تا بتوانیم به نتیجه‌ای برسیم یا حداقل بتوانیم نیمه‌ای مختلف بحث را روشن تر کنیم.

به امید برای تمام انسانها بدون در نظر گرفتن جنسیتشان

"میترا"

در رابطه با موج اعدای دسته جمعی هزاران نفر از زندانیان سیاسی اعلامیه‌ای از طرف ما توسط شیخ عزالدین حسینی انتشار یافت که در زیر گوشه‌های آنرا میخوانید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مردم آزاده ایران!
مردم شرافتمند کردستان!

رژیم جمهوری اسلامی که پس از سلطه با فشاری و امرار بر دادا مه جنگ ایران و عراق، سرانجام با شکست فضاحت با در جبهه‌ها مجبور به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل گردید، برای سرپوش نهادن بر موجی از اختلافات و تضادهای میان هیئت حاکمه و بحرانهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی موجود و برای مقابله با نا بسا مانیهای خود و جلوگیری از انفجار نا رضایتی‌های توده مردم و ایجاد اختناق و سرکوب هر چه بیشتر در جامعه، پس از برقراری آتش بس، با قطع ملاقات، شکنجه و آزار زندانیان، دست به کشتار و اعدای دسته جمعی زندانیان سیاسی در سراسر کشور زده است.

چنانکه در رژیم ولایت فقیه علی‌رغم اینکه ده سال تمام است با تمام قدرت برای سرکوب مبارزات رها نشی بخش مردم کردستان از هیچ قساوت و جنایتی کوتاه نی نگردیده است تا نتوانسته بر اراده ملت کردتسلط یا بدو مبارزه سیاسی و شعله‌های جنگ مسلحانه کردستان همچنان پایدار و با برجا است و هم اکنون ترس و وحشت رژیم بجای رسیده که اقدام به تحت فشار قرار دادن خانواده شهدا و پیشمرگه‌ها و زندانیان سیاسی نموده و هم چنین در شهرهای سنندج، سقز، بانه، سردشت و مها با دیده دستگیری مجدد زندانیان سیاسی آزاده پراخته و بر طبق اخبار واصله اکثر کسانی که قبلاً در صفا انقلاب بوده اند و هم اکنون تسلیمی رژیم هستند یا دستگیر و اعدا شده یا شدیداً تحت کنترل هستند.

در شرایطی که اختلاف و دودستگی در میان رهبران جمهوری اسلامی به اوج خود رسیده است، جا شیکه نه تنها منتظری و دارو دستهای بلکه موسوی نخست وزیر نیز از دور تحت نظر قرار می‌گیرد، و هم اکنون که جنگ قدرت در میان سران رژیم در گرفته است باید آگاهانه و با افشای اینک...

تمام جناحها جزئی از دیکتاتور سیاه و ارتجاعی آخوندی هستند و هدفی جز پایداری کردن آزادی و دمکراسی و عدالت اجتماعی و حقوق زحمتکشان و زنان و خلقهای تحت ستم را ندارند و مبارزه بی‌مان خود برای آزادی بی‌قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی و لغو اعدا و شکنجه و علیه تمامی حاکمیت جمهوری اسلامی ادامه دهیم.

یقین دارم این جنگ بی‌فرجام هشت ساله ایران و عراق پایهای نظام رژیم را پوشیده و ست کرده است. لذا باید خود را برای دوره نوینی از مبارزه سرتاسری آماده نمود.

وظیفه انقلابی تمام نیروهای سیاسی است که با استفاده از تجربیات مبارزات دهساله اخیر تلاش خود را برای هماهنگی و ایجاد نزدیکی و همکاریهای عملی گسترش دهند و در یک صف متحد برای سرنگونی جمهوری اسلامی و رسیدن به حکومت مردمی و دمکراتیک و حق تعیین سرنوشت خلقهای ایران مبارزات خود را بیش از پیش شدت بخشند. بیروزیان را در راه رسیدن به اهداف انقلابی از خدا و نندتعالی خواستارم.

سید عزالدین حسینی

۱۳۶۷/۹/۱۸

سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

مما حبه با دوتن از رهبران "میر" شیلی

مما حبه ای را که در زیر میخوانید، توسط رفقای ما با دوتن از رهبران سازمان جنبش چپ شیلی (میر) صورت گرفته است. رفقای (میر) در این مما حبه نکات جالب و آموزنده ای را در رابطه با تحولات انقلابی

رفقای عزیزا که موافق با شید صحبتتان را با چگونگی شکلگیری جنبش چپ انقلابی شیلی (میر) شروع کنید.

ج: در سالهای ۶۰ شرایط انفجار آمیزی در آمریکا و لاتین حاکم بود و جنبش عموماً تحت تاثیر انقلاب کوبا بود. این انقلاب در برابر دیدگاهها و خط مشی احزاب کمونیست مسائل تازه ای قرار داد. طرح این مسائل در شرایطی بود که تمام احزاب چپ در شیلی به شیوه فرمبستی، سعی داشتند از طریق پارلمان و همکاری با بخشهای از بورژوازی به قدرت برسند و از این طریق سوسیالیسم را در کشور ما مستقر نمایند. در این زمان موج اعتراضات از وضع موجود سراسری را در بر گرفته بود و

احزاب چپ سنتی نمی توانستند جواب گوی نیازهای زحمتکشان باشند، بر پایه این نیازها "میر" شکل گرفت. "میر" ریشه های عمیقی در زحمتکشان شیلی داشت و به این علت در اندک مدتی پس از اعلام موجودیت توانست نفوذ خویش را در میان کارگران، دهقانان و روشنفکران گسترش دهد، این پیرو به علت انحراف فاتی که احزاب فرمبست در بین زحمتکشان رسوخ داده بودند مشکل بود. منظور از احزاب فرمبست حزب کمونیست، حزب سوسیالیست و احزاب را دیگال می باشد که ما آنها را چپ سنتی نیز می نامیم. در طول مبارزه "میر" خود بدورها اشتباه ننمود، این اشتباهات و انتقادها در آنها در آینده حزب تاثیر بیشتری داشت. دیدگلی ما نسبت به شرایط سیاسی در شیلی و نقش حزب در آن و عدم توجه به شرکت اعضاء

در تصمیم گیری و اعتقاد به مبارزه مسلحانه جدا از واقعیتی که در شیلی می گذشت، در سال ۷۸ استراتژی ما را با شکست مواجه ساخت. ما اکنون قویا به نقش توده ها در مبارزه مسلحانه تا کیددا ریم، اشتباهات ما حتی سازمان ما را دچار بحران درونی کرد. درون تشکیلات بحثهای داغی حول خط مشی ما بوجود آمد، انتقادات زیاد شد. عدم مومکراسی درون تشکیلاتی باعث شده نتوانیم زود تر بحران فاش کردیم. در سال ۸۶ در جلسه کمیته مرکزی حتی دونه نظرکا ملاً متفوت وجود داشت و خطرات شعاب سازمان را تهدید میکرد. بحث اساسی بر سر وظیفه پیشا هنگ بود و اینکه باید کار سیاسی - نظامی کرد و یا اینکه صرفاً نظامی رد مبارزه مسلحانه جدا از توده ها بزرگترین دست آورد ما در این نشست بود.

س: پس بطور کلی میتوان گفت که تمام "میر" با احزاب چپ سنتی در شیلی استراتژی جنگ مسلحانه بود؟

ج: نه تنها جنگ مسلحانه، بلکه ما در بسیاری مسائل

شیلی و نقش احزاب چپ مطرح کرده اند که میتوانستند مورد استغاده کمونیستها و انقلابیون چپ کشور ما قرار بگیرد.

با هم اختلاف داشتیم. مثلاً در رابطه شرایط بین المللی و اردوگاه سوسیالیسم، ما از ابتدا نسبت به بوروکراسی در کشورهای سوسیالیستی انتقاد داشتیم. ما با نوع سوسیالیسمی که آنها بنا کرده اند موافق نیستیم. ما عقیده داریم که یکی از مهمترین مسائل در بنای سوسیالیسم، دمکراسی سوسیالیستی است که ما آن را قدرت خلقی می نامیم که با شرکت همه جانبه مردم در پیرویه انقلاب شکل میگیرد. این مسئله در بسیاری مواقع و در بعضی شرایط بسیار مشخص عمل میکند. مثلاً وقتی حمله نظامی شوروی در سال ۱۹۶۸ به چکسلواکی صورت گرفت از احزاب چپ شیلی فقط ما با آن موافق نبودیم و بر آن انتقاد داشتیم.

در مورد چگونگی توسعه فرما سیون سرمایه - داری در آمریکا و لاتین منجمله شیلی نیز ما با چپ سنتی اختلاف نظر داشتیم. آنها عقیده بر این داشتند که آمریکا لاتین در دوران فئودالیسم بر میبردد و بعضی نیز عقیده داشتند که ما سرمایه - داری هنوز در آمریکا لاتین رشد کافی نکرده است ولی ما معتقد بودیم که در جامعه ما مکالیسم های مما حبه ای را که در زیر میخوانید، توسط رفقای ما با دوتن از رهبران سازمان جنبش چپ شیلی (میر) صورت گرفته است. رفقای (میر) در این مما حبه نکات جالب و آموزنده ای را در رابطه با تحولات انقلابی شیلی و نقش احزاب چپ مطرح کرده اند که میتوانستند مورد استغاده کمونیستها و انقلابیون چپ کشور ما قرار بگیرد.

رفقای عزیزا که موافق با شید صحبتتان را با چگونگی شکلگیری جنبش چپ انقلابی شیلی (میر) شروع کنید.

ج: در سالهای ۶۰ شرایط انفجار آمیزی در آمریکا و لاتین حاکم بود و جنبش عموماً تحت تاثیر انقلاب کوبا بود. این انقلاب در برابر دیدگاهها و خط مشی احزاب کمونیست مسائل تازه ای قرار داد. طرح این مسائل در شرایطی بود که تمام احزاب چپ در شیلی به شیوه فرمبستی، سعی داشتند از طریق پارلمان و همکاری با بخشهای از بورژوازی به قدرت برسند و از این طریق سوسیالیسم را در کشور ما مستقر نمایند. در این زمان موج اعتراضات از وضع موجود سراسری را در بر گرفته بود و احزاب چپ سنتی نمی توانستند جواب گوی نیازهای زحمتکشان باشند، بر پایه این نیازها "میر" شکل گرفت. "میر" ریشه های عمیقی در زحمتکشان شیلی داشت و به این علت در اندک مدتی پس از اعلام موجودیت توانست

نفوذ خویش را در میان کارگران، دهقانان و روشنفکران گسترش دهد. این پیرو به علت انحراف فاتی که احزاب فرمبست در بین زحمتکشان رسوخ داده بودند مشکل بود. منظور از احزاب فرمبست حزب کمونیست، حزب سوسیالیست و احزاب را دیگال می باشد که ما آنها را چپ سنتی نیز می نامیم. در طول مبارزه "میر" خود بدورها اشتباه ننمود، این اشتباهات و انتقادها در آنها در آینده حزب تاثیر بیشتری داشت. دیدگلی ما نسبت به شرایط سیاسی در شیلی و نقش حزب در آن و عدم توجه به شرکت اعضاء در تصمیم گیری و اعتقاد به مبارزه مسلحانه جدا از واقعیتی که در شیلی می گذشت، در سال ۷۸ استراتژی ما را با شکست مواجه ساخت. ما اکنون قویا به نقش توده ها در مبارزه مسلحانه تا کیددا ریم، اشتباهات ما حتی سازمان ما را دچار بحران درونی کرد. درون تشکیلات بحثهای داغی حول خط مشی ما بوجود آمد، انتقادات زیاد شد. عدم مومکراسی درون تشکیلاتی باعث شده نتوانیم زود تر بحران فاش کردیم. در سال ۸۶ در جلسه کمیته مرکزی حتی دونه نظرکا ملاً متفوت وجود داشت و خطرات شعاب سازمان را تهدید میکرد. بحث اساسی بر سر وظیفه پیشا هنگ بود و اینکه باید کار سیاسی - نظامی کرد و یا اینکه صرفاً نظامی رد مبارزه مسلحانه جدا از توده ها بزرگترین دست آورد ما در این نشست بود.

س: پس بطور کلی میتوان گفت که تمام "میر" با احزاب چپ سنتی در شیلی استراتژی جنگ مسلحانه بود؟

ج: نه تنها جنگ مسلحانه، بلکه ما در بسیاری مسائل با هم اختلاف داشتیم. مثلاً در رابطه شرایط بین المللی و اردوگاه سوسیالیسم، ما از ابتدا نسبت به بوروکراسی در کشورهای سوسیالیستی انتقاد داشتیم. ما با نوع سوسیالیسمی که آنها بنا کرده اند موافق نیستیم. ما عقیده داریم که یکی از مهمترین مسائل در بنای سوسیالیسم، دمکراسی سوسیالیستی است که ما آن را قدرت خلقی می نامیم که با شرکت همه جانبه مردم در پیرویه انقلاب شکل میگیرد. این مسئله در بسیاری مواقع و در بعضی شرایط بسیار مشخص عمل میکند. مثلاً وقتی حمله نظامی شوروی در سال ۱۹۶۸ به چکسلواکی صورت گرفت از احزاب چپ شیلی فقط ما با آن موافق نبودیم و بر آن انتقاد داشتیم.

در مورد چگونگی توسعه فرما سیون سرمایه - داری در آمریکا و لاتین منجمله شیلی نیز ما با چپ سنتی اختلاف نظر داشتیم. آنها عقیده بر این داشتند که آمریکا لاتین در دوران فئودالیسم بر میبردد و بعضی نیز عقیده داشتند که ما سرمایه - داری هنوز در آمریکا لاتین رشد کافی نکرده است ولی ما معتقد بودیم که در جامعه ما مکالیسم های سرمایه داری عمل میکنند و فرما سیون غالب سرمایه - داری است و نتیجتاً انقلاب شیلی را سوسیالیستی

را در این قاره ما زما ندهی کنیم و این در صورتی است که ما قبلا فقط صحبت از اتحاد چپ انقلابی داشتیم. میدوایم بخواهیم بجای "ما زما ندهی" (P.R.T) که دیگر وجود ندارد، این جبهه را ایجاد کنیم.

س: شما همیشه مبلغ هماهنگی و وحدت چپ انقلابی در آمریکا لاتین بوده اید. اقدامات شما تاکنون چه نتیجه ای داشته است؟

ج: در ابتدا بگویم که ما متعلق به جامعه ای هستیم که در آن حقوق انسانها شدیداً زیر پا گذاشته میشود. میشود دیدن دلیل ما جامعه ای را تبلیغ میکنیم که در آن هیچگونه نقض حقوق بشر وجود نداشته باشد. زیرا ما با تمام پوست و گوشت خویش شاهد نقض حقوق انسانها بوده هستیم. تجربه شهدا و نا پدید شدن، ثابت کرد که با بددرا بین امرجی با شیم. در عین اینک این تنها مشکل ما نیست. در کشور ما و قاره ما، در آمریکا و کشور ما ایران و حتی در بسیاری از کشورهای اروپائی این نقض وجود دارد. این زائیده منافات با جبران سرمایه داری است و این طبیعی است که در بحران های سرمایه داری استفاده از شکنجه و اعدام و رونق داد و در برابر این اساس در این راه ما همداستما تمام خلقهای جهان هستیم. بطور مشخص ما با مردم و نیروهای انقلابی ایران با راهبستگی خویش را اعلام داشته ایم و همیشه متذکر شده ایم که بر علیه شکنجه و اعدام و سرکوب با بد متحدان مبارزه کرد و اکنون نیز یکبار دیگر آنرا تکرار میکنیم. بنظر ما در جهان تغییر و تحولاتی در حال رخ دادن است. سیستم سرمایه داری جهانی واردنا تجدیدی میشود. کشورهای در حال رشد و وابسته دستخوش تغییرات و دگرگونیها می میشوند و در این شرایط ما زما نهی انقلابی با بد آنرا دریا بند و اتحاد در مجویانهای ما زما ندهی و دهنده و تنها از این طریق است که میتوانیم در عرصه بین المللی نیروی خویش را هماهنگ کرده از تجربیات همدیگر استفاده کنیم. ما هنوز از تغییر و تحولات اوضاع جهان اندکی عقب هستیم. ما با بد نقض خویش را بعنوان پیشاهنگ، آنطور که شایسته است ایفا کنیم، ما با بد بیونود خویش را تنگتر و در عرصه جهانی گسترش دهیم و خلاصه اینکه ما به انترناتسیونال لیسم پرولتری و همبستگی جهانی معتقدیم و با بد این را در عمل به اجرا آوریم.

پایان

آلمان فدرال - ها نوفر

اعتراض به گشتا رزندانیا ن سیاسی

به بتکار جمعی از دانشجویان ایرانی در شهرها نوفر بتا ریخ ۸۸/۱۲/۱۵، در اعتراض به گشتا رزندانیا ن سیاسی، نمایشگای عکس از شرایط زندانها و شکنجه زندانیا ن ترتیب یافت که مورد استقبال گروه زیادی از مردم آلمان و نیروهای ترقیخواه قرار گرفت. در محل آکسیون اعتراضی نمایشگای با رلمان حزب سبزهای آلمان نیز شرکت جست و سخنانی پیرامون انعکاس مسائل حقوق بشر ایران در پارلمان این کشور ایراد کرد.

می گویند با استفا ده ز پیروزی بر حکومت نظامی (نه نظامیان) میتوان با حکومت وارد مذاکره شد و از این طریق خواهان رفورها می درجا مع هستند. هدف ما مبارزه با این و گرفتن قدرت است و از این زاویه ما نمی توانیم هیچگونه همکاری با ما بحران نظریه دوم داشته باشیم.

س: شما این توان را در خود می بینید که با وضع را پیش ببرید؟

ج: ما فعلا خود را آنچنان قدر تمن نمی بینیم که به تنهایی از زمین این عمل بر آیم. هر چند نتایج چهارمین کنفرانس که اخیراً برگزار شده ما را در این راه بسیار آری خواهد کرد. ما در حال گسترش پایگاه خویش در بین زحمتکشان هستیم. در بین کارگران و دهقانان، در این امر با حزب کمونیست موضع بسیار نزدیکی داریم ولى متاسفانه در جناحی از حزب سوسیالیست گرایش به راست دیده میشود. شرایط مبارزه بسیار آری از ما نهی چپ را در کنار هم قرار داده و این امیدوارکننده است.

س: نقش و جایگاه "میر" در جنبش کارگری شیلی در میان ما زما نهی و احزاب و کلا جنبش خلق در شیلی چگونه است.

ج: همانطور که گفتیم، با توجه به وابستگی خاصی که شیلی به امریکا لیسم دارد، وحدت چپ انقلابی علیه آن لازم مبارزه است. ما با حفظ مواضع خویش در امر مبارزه با حاکمیت نظامی و ترور و سرکوب می توانیم مواضع و اهداف مشترکی را پیش ببریم. ما حتی قدرت آنرا داریم که با ترور و شکنجه هم که معتقد به انقلاب جهانی هستند در این رابطه همکاری داشته باشیم. اتحاد در عرصه بین المللی نیز از ابصنا هدف ما بود و در این راستا بوده که در سالهای ۷۵-۷۶ که ما زما ندهی در قسمت جنوبی آمریکای لاتین (P.R.T) شکل گرفت و احزابی چون حزب کارگران انقلابی آرژانتین - ما زما ندهی چپ انقلابی در اوگوشه و بولیوی و... با هم متحد شدند. شرایط آن زمان آمریکا لاتین فرق میکرد.

حکومتها ی نظامی هم که شکل گرفته بود و انقلابیون تحت فشار نظامیان بودند، پیدا کردن راههای جدید در این شرایط جدید مشکلات زیادی برای ما ایجاد می کرد. تغییراتی که در سیستم مالی ایگرا رشی بورژوازی این حکومتها در رابطه با انحصارات بین المللی پیش آمده بود، باعث قدرتمندتر شدن طبقه کارگر گردید. بسیاری از ما زما نهی بغلت عدم انطباق با این شرایط جدیدی ضرب رفتند و در نتیجه P.R.T ضعیف شد و رابطه ما محدود. در سالهای پانزده هفتادگان انقلاب به آمریکا مرکزی انتقال یافت و ما بطور فعال در کنار رفقای خویش در آلسالوادور، نیکاراگوئه و کواتمالا بوده ایم و در این راه و همراه آنان جنگیده و شهید نیز داده ایم. در حال حاضر شاهد بیداری ما زما ندهی انقلابی در آمریکا لاتین هستیم و در این راه ما زما ندهی جدیدی نبرتن گرفتارند. از اوائل سال ۸۸ سازمانهای انقلابی در آمریکا لاتین تلاش جدیدی را برای اتحاد عمل آغاز کرده اند و ما نیز فعلا لانه در آن شرکت داریم. زیرا معتقدیم که با بد بجهه وسیعی از انقلابیون

آری با بی میگردیم نه یک انقلاب دمکراتیک در مراحل ابتدائی که بعدها بطرف سوسیالیسم میل خواهد کرد. البته این دیدمختص به جبهه ای سنتی ما نبود. آمریکا لاتین کلادرا این جو زندگی میگرد و تنها انقلاب کوبا بود که در انقلاب را به روی ما گشود و نگرش نوینی را پدید آورد.

س: دستاوردهای جنبش انقلابی مردم شیلی چیست و وضع حاکمیت اکنون با توجه به تغییر و تحولات اخیر در شیلی چگونه است.

ج: موقعیت حکومت نظامی یکی از بحرانهای مطرح در بین چپ شیلی منجمد ما زما ندهی است. ما عقیده داریم که حکومت نظامی تمام قدرت را درجا مع شیلی در دست دارد و تبلیغ اساس کارشان است. ولی رژیم پینوشه در بحران بمر میبرد و ما از این بحران در تبلیغات به نفع مردم استفاده میکنیم. تا چند سال پیش شرایط کاملاً متفاوتی داشت. دیکتا - توری در بخش اقتصادی موفقیتها می داشت و توانسته بود اقتضای آزبورژوازی و خرده بورژوازی را به خود جذب نماید و با پوزیسیون در شرایط ضعیفی بمر میبرد و هیچ آلترناتوی مطرح نبود. حکومت نظامی فکر میگرد که با تبلیغات میتوانند بر تمام مواضع فاش آید. ما از سال ۸۳ - ۸۴ شرایط تغییر پیدا کرد و شیلی از نظر اقتصادی نیز دچار بحران شد و کم کم از ما حمایت از دولت کاسته شد. سال ۸۳ بود که تظاهرات و اعتصابات شروع شد. این برای چپ طلیعه ای بود. در همین سال جبهه دمکراتیک خلق تشکیل گردید که حزب کمونیست، سوسیالیست و میر نیز در آن شرکت داشتند. ما این جبهه را آلترناتوی دیکتاتور در مقابل رژیم حساب میگردیم. این در شرایطی بود که احزاب راست نیز کم کم از ما حمایت خویش از رژیم می کاستند.

س: در همین رابطه شما چه برخوردی با دمکرات مسیحی ها داشته و دارید؟

ج: بنظر ما حزب دمکرات مسیحی، حزبی است بورژوازی که دارای حمایت توده ای است و لسی نباید حمایت توده ای آنها را با اهداف سیاسی شان مخلوط کنیم. این دامی است که چپ سنتی ما در آن گرفتار شده و از این زاویه سعی در جلب همکاری و اختلاف با آنها دارد. این حزب بعنوان نمایشگای بورژوازی از خواسته های این طبقه پشتیبانی میکند و خود را تنها آلترناتوی پینوشه میداند. در اوج تظاهرات توده ای سال ۸۳ آنها وحشت انداخته بود. این خلق این حزب را به وحشت انداخته بود. این تظاهرات باعث شد تا آنان بیشتر از پیش خود را حامی منافع بورژوازی نشان بدهند و مجیزا مبریا لیسم آمریکا را بگویند. آنها اکنون با اعمالشان می - خواهند مبریا لیسم بقبولانند که مدل اقتصادی غیر از آنچه فعلا موجود است نخواهند آورد. در این راستا حتی با بد مذاکره با نظامیان را برای گسترش دمکراسی پیش کشیدند. بنظر ما هم اکنون در شیلی دو موضع مطرح است. یکی آنکه ما مطرح میکنیم یعنی ادامه مبارزه تا نابودی حکومت نظامی و کسل رژیم و ایجاد شرایطی کاملاً جدید و گسترش دمکراسی خلقی. موضع دیگر آن دمکرات مسیحی ها است. آنان

اسرائیل

کره شمالی

گزارش بانک جهانی

وبدهی کشورهای مقروض

● گزارشی بانک جهانی در سال ۱۹۸۸ حاکی از آن است که در این سال بیش از ۴۳ میلیارد دلار توسط کشورهای مقروض با بت اصل و فرع بدهیها به کشورها پرداخت شده است. این گزارش همچنین بیانگر آنست که برای پنجمین سال متوالی سیر پیول از جانب کشورهای فقیر بسمت کشورهای امپریالیستی بوده است. این امر نشاندهنده آشکار وجود نظام غیر عادلانه و غارتگرانه در روابط کشورهای پیشرفته سرمایه داری و کشورهای عقب مانده بوده و تمامی ادعاها و هیاهوی مربوط به کمک و سرمایه گذاری توسط کشورهای امپریالیستی جهت توسعه اقتصادی و پیشرفت کشورهای تحت سلطه را افشاء میکند. تنها کره جنوبی و تایوان در سال ۱۹۸۸ مبلغ ۱۰ میلیارد دلار با بت بدهیهای خود پرداخت کرده اند و در دیشهای بعدی کشورهای آمریکای لاتین قرار دارند.

● کیم - ایل - سونگ رهبر کره شمالی از ژنرال روه، رهبر کره جنوبی و رهبران احزاب و مقامات مذهبی کره جنوبی جملگی دعوت نموده که به برای مذاکره در مورد وحدت دو کره به پیونگ یا تانگ پایتخت کره شمالی مسافرت کنند. قبل از اعلام رسمی این دعوت، تماسهای وسیعی بین نمایندگان دو کشور در جریان بوده است که آخرین آنها دیدار هیئتهای پارلمانی دو کشور در واسط ماه دسامبر بود.

نیویورک

● وزارت دفاع آمریکا در آخرین روزهای سال مسیحی گذشته تصمیم گرفت که سلاحهای لیزری خود را در قضا برای اهداف تهاجمی مورد آزمایش قرار دهد. در این آزمایشات، ماهواره های از کار افتاده به عنوان هدف تهاجمی مورد استفاده قرار خواهند گرفت و متناسب با نتایج حاصل از این آزمایشات، سلاحهای لیزری آمریکا به نحوی بازسازی خواهد شد که برای اهداف تهاجمی مناسب باشند.

اسلام آباد

● بدنبال دیدار سران کشورهای اتحادیه جنوب آسیا برای همکاریهای منطقه ای (هند، پاکستان، بنگلادش، نپال، سری لانکا...) در اسلام آباد پایتخت پاکستان، کشورهای هند و پاکستان قدمهای مهمی در راه بهبود روابط خود برداشتند. از جمله قرار دادی بین طرفین امضاء شد که بر مبنای آن طرفین در صورت وقوع جنگ از جمله به تاسیسات اتمی یکدیگر خودداری خواهند کرد.

اعدا موشکنجه در ترکیه

لندن

● عفوبین الملل با انتشار ریبیا نیهای "نقض خشن و سیستماتیک حقوق بشر" را در ترکیه محکوم نمود. بر طبق بیانیه فوق هزاران زندانی سیاسی در این کشور شکنجه شده اند که تنها در سال گذشته تعداد ۲۵۰ نفر از آنها به قتل رسیده اند.

کوبا

● فیدل کاسترو در سخنرانی بیمناسبتی امین ما لگرد انقلاب کوبا، یکبار دیگر بر تداوم مبارزه برای اهداف انقلاب تاکید کرد. وی گفت که تنها ما رکیسم میتواند کوبا را به پیش هدایت کند و انقلاب مدهسا سال ادامه خواهد داشت.

سخنرانی در آمستردام

در تاریخ ۵ آذر از طرف کمیته خارج از کشور برنامسخنرانی "پیرامون انقلاب آینده ایران" و آلترنا تیو ما در شهر آمستردام هلند برگزار گردید که مورد استقبال جمعی از فعالین جنبش قرار گرفت.

● بدنبال سخنرانی با سرعفات در مجمع عمومی سازمان ملل و انتشار ریبیا نیه مطبوعاتی که در آن صریحا پذیرش شرایط آمریکا از سوی سازمان آزادی بخش برای مذاکره مستقیم اعلام شده بود، حزب لیگودریک چرخش سیاسی غیرمنتظره اقدام به اختلاف با حزب کارگروه حزب مذهبی کوچک نمود. مبنای این اختلاف خودداری از مذاکره با سازمان آزادی بخش، رد دولت مستقل فلسطینی و ادامه سیاست ساختن آبا دیهای یهودی نشین در مناطق اشغالی می باشد. ناظران سیاسی با توجه به تغییر سیاست آمریکا درقبال سازمان آزادی بخش و شروع رسمی مذاکرات بین طرفین، شانس ناچیزی برای موفقیت سیاست مزبور می بینند. بویژه که فشارهای بین المللی قابل ملاحظه ای از سوی دوستان اسرائیل و بویژه کشورهای با زار مشترک، برای این کشور اعمال میشود.

همزمان با تحولات فوق، اعتماد عمومی در سرزمینهای اشغالی با ردیگر آغاز شده و زود خورد های خیابانی پراکنده نیز صورت میگیرد. این زدو خورد ها و اعتماد عمومی بیمناسبت بیست و نه سال لگردنبرد لگرمه شدت یافته و موجب شده که ارتش اسرائیل در نوا روزه یکبار دیگر اعلام حکومت نظامی کند.

بروکسل

● بدنبال اعلام تصمیمی با زار مشترک اروپا در مورد منع ورود گوشت های هورمونی تولید آمریکا به کشورهای عضو با زار مشترک، آمریکا اعلام نمود که در سال آینده مبلغ ۱۵۰ میلیون دلار به جریمه گمرکی خواهد افزود. این اقدام از سوی ناظران سیاسی به عنوان کشاکش های اولیه در یک جنگ تجاری تلقی میشود که در صورت عدم خودداری طرفین از دست زدن به اقدامات تلافی جویانه میتواند گسترش یابد. مقامات آمریکا می معتقدند که گوشت گوساله هورمونی تولیدی آمریکا از نظر مقررات بهداشتی سازمان ملل سالم بوده و برای مصرف کننده زیان آور نیست بر طبق این نظر، اقدامها را زار مشترک برای دفاع از کشتار و رزی سوبسیده شده اروپا است که پروا حدهای تولیدی خانواری تکیده دارد و به این دلیل نمی تواند ندمایزارع بزرگ و کشتار و رزی مکانه آمریکا رقابت کند.

مسکو

● میخائیل گورباچف رهبر شوروی در نطق سالانه خود بیمناسبت آغاز سال نو میلادی گفت که از سرعت پیشرفت رفرمها و زنتایج آنها نا راضی است. بر طبق اظهارات وی اگرچه اقتصاد شوروی در سال ۱۹۸۸ بهتر از سال قبل بوده است، اما سرعت بهبود اوضاع اقتصادی و پیشرفت رفرمها رضایت بخش نیست. گورباچف اظهار امیدواری کرد که در سال آینده بر مشکلاتی مثل کمبود مواد ربا، کیفیت نازل محصولات صنعتی و مسائل مشابه با پیش بردن قاطع خودکفائی مالی موسسات و بینگامها، تقویت تعاونها و روابط اقتصادی بهتر، بتوان غلبه کرد.

از صفحه ۲

خانه از پای بست

پیشرفته غرب قرار دارند و از قدرت سرکوب و تطمیع آنان برخوردار نیستند - در واقع چاره نا پذیری بحران را روشن تر از هر جایی نشان میدهد. ولسی این شکستها و در پی آن کودتا های "بازدارنده" مانع عقب نشینی مجددا امپریالیسم و سرمایه داران وابسته آن در "جهان سوم" نشد. بویژه بدان خاطر که غرب برای "التیام زخم" نفرت مردم نسبت به دیکتاتور ها از یک سو و رقابت با آلترنا تیوا انقلابی و واقع دموکراتیک از سوی دیگر، ناچار به عقب نشینی شده است. ما این تداوم رادیکره جنوبی، فیلیپین، آمریکا جنوبی و اخیرا در پاکستان به روشنی می بینیم.

رژیم اسلامی که عوام بسیاری اعم از ناتوانی و عدم تمایل آن و نیز با زعدم مصلحت در از ماندن شیوه "دموکراتیک" حکومت مستمگرا نه اش حکایت میکنند، ما نندما بر حکومت های پوئالی که وعده دمکراسی میدهند سر نوشتی جز نا کامی ندارند. زیرا منشاء این بحران در ماننا پذیرد منشاء تضاد مندی های راحت و سفره های تهی، آزادیهای بسی حد و حصر غارتگران و بی حقوقی ستم دیدگان نهفته است. این منشاء جز "مالکیت مقدس" استمگرا ن و دولت حامی و حافظ آن نیست. تنها طبقه کارگر که هیچ سودی در این "قدسیت" نمی بیند، با حمایت زحمتکش و تهیدستان شهروده میتواند برابری و بهمه راه آن آزادی نشاط و تحقیقی را بر بسیط خاک بگسترند.

با پیام کارگر همگاری کنید!



از صفحه ۱۶

اعتصاب غذا در مالمو سوئد

کا ملاحظه چشم می آید. مضمون شعارها چنین است: متحدبا هم ز جان زندانیا ن سیاسی دفاع کنیم! اعدا ما را متوقف کنید!

آزادی زندانیا ن سیاسی درگرو سرتگونی رژیم جمهوری اسلامی است!

"گنا زرتزلوند" یک عکاس سوئدی است که از محل اعتصاب دیدن کرده، با عمیقاً متاثر است. هنگام پاسخ به سوال ما، دستهایش را با خشم تکان میدهد. می گوید:

«و حشتناک است، وقتی آدم این تما و بر را می بیند، فقط متنفر میشود. رقم را نه شده از اعداها با ورکردنی نیست. ما فقط این پشت گرمی را داریم که از حقوق مبارزین ایرانی دفاع کنیم. من بویژه ما بیلما این را بگویم که کمونیست هتم، همبستگی من با شما، همبستگی یک کمونیست است.»

علی، دانشجوی فلسطینی که همراه رفقا پیش آکسیونی بنفع PLO را سازمان داده، همراه با جوانان فلسطینی دیگر با اعتصاب کنندگان دیدار کرده است. وقتی نظرش را می پرسیم که تصور شما پس از دیدن علائم و آثار جنايات چگونه است، می گوید:

«واقعاً نگران کننده است. اصولاً زادی، از جمله آزادیهای سیاسی حق طبیعی افراد است. ما درست با چنین اندیشه ای از سقوط شاه در ایران، خوشحال شدیم. اما وقتی رژیم جدید، گروههای سیاسی و آزادیهای میرو نظر را یکی از بی دیگری سرکوب

از صفحه ۹

به بیها نه: سینما در چنبره...

هنروچا کران و آستان بوسان نوکیسان باقی بماند؟ تا ریخته هنر "ده ساله خیر و زندگی ناه دست - اندر کاران آن و نقش هریک از آن (از ارباب تا تلویزیون - سینما تا انواع و اقسام موسسات تولیدی فیلم گرفته و نیز عوامل برپا می نستیوا لها شلی نظیر "فجر") خود حکایت غریب و غم انگیزی است که نیا زبه نوشتن سلسله مقالات متصل و طولانی در تاب عنوان فصل جدیدی بر تاریخ شما پیش در ایران مشخص شود - که هنر چه به شکل کلاسیک و سنتی خود در طول تاریخ - حربه قدرتمندی در دست حکومتگران و غارت - پیشگان به قدرت رسیده بوده است تا جاعه قادیه تشخیص و انتخاب گردد - فرق بگذارید میان هنر پیشرو و متحول و هر مزخرفی که بعنوان "هنر" در اختیارش میگذراند، گرچه مطمئناً با ما، حتی به مفهومنا ب خودش، قدرت این تشخیص را دارد که باند، حافظها فردوسی ها، مولانا ها و نیما ها و شاموها و بیضا شها - بر اساس تعریف و ماهیت هنر - هرگز آنرا وسیله ای برای تحمیق جاعه نگردانند - و طبعاً میان "قنبری" ها و دیگران میتوان ندفرف بگذار و در ایسن رهگذر با ید نشریاتی این چنین قا در به در کسلی سریع ترا زما برین نسبت به جریانات اجتماعسی و منجمله هنر با شند - تا قدرت دید و گزینش مردم را به خود آگاهی فرهنگی ارتقا دهد - که خوشبختانه نویدش - موجب نوشتن این مقاله شد.

موفق باشید سپنتا

کرد، به همان اندازه فسرده شدیم که از سقوط رژیم پیشین خوشحال.

از جمله با زدید کنندگان، "یا ن یسنون" بود. یسنون با تائید حرفهای پیش گفته، هموطن دیگرش می گوید:

«ما می دانیم چه وظیفه ای بردوش ما ست. در کشوری دور دست، هزاران نفر را کشته اند، از اینو بسا دگی میتوان در یافت که زندگی در آنجا چگونه است. لذا ورود مهاجرین به سوئد امری کاملاً طبیعی است.»

این کارگرا ختمانی از صحبتها یش نتیجه میگیرد:

«از این جهت، مخالفت با جریاناتی نظیر "حزب اسکونه" که دشمن خارجیها ست، عادیست. من از چنین عناصری سخت متنفرم. علاوه بر حمایت از اینها هندگان، سعی ما برایین خواهد بود که افکار عمومی در سوئد را به دامن کشتار ایران آگاه کنیم.»

با خود اعتما بیون نیز و اردگفتگوشدیم. مهرداد از جمله آنها ست. دیدن این پناهنده در اینگونه فعلیتهای عجیب و جدید نیست. خود او در دوران شاه زندانی سیاسی بود. مهرداد در تجربه زندانهای جمهوری اسلامی را نیز چشیده و بنا به گفته خودش، در خانوادها و نزدیکان و دوستانش، او و در این واقعیت تنها نبوده است. پس از فارغ شدن از صحبت با یک مشا هده کننده سیاسی هبوست، به سوال ما پاسخ میدهد:

«تلاشهای بجهها موفق و دلگرم کننده بود. بیش از ۳۰ نفر در این اعتصاب سه روزه بهمان سبت روز جهانی اعلامیه حقوق بشر دست به اعتصاب غذا زدند. ما هزاران اعلامیه و جزوه نیز پخش کردیم. تعداد قابل ملاحظه ای از سوئدیها در پاریس اسناد اعتراضی بمنظور ارسال آنها به سفارت ایران، امضاء گذاشتند. ما از مجامع مختلف حقوقی، سیاسی و صنفی دعوت کردیم که استقبال شایسته ای نیز بعمل آمد. نما یندگان حزب ما رکسیست - لنینیست (انقلابی) و نیز احزاب چپ دیگر نظیر VPK، IAPK از جمله با زدید کنندگان بودند. مهمترین روزنا ما ستان، در نخستین روز، اقدام به درج خیرا اعتصاب کرد. احزاب و جرا ثدیگر و نیز نما یندگان را دیوبسه با زدیدنا ز محل پرداختند. ما خبرهای سایر نقاط سوئد را هم به اطلاع افرادی رسانیم.»

لطفا در مورد کمیته صحبت کنید.

مهرداد در جواب ما می گوید:

«این کمیته بوسیله تعدادی از ایرانیها تشکیل شده و بدون مرز بندی و با تاکید بر اینکجه آزادی زندانیا ن سیاسی درگرو سرتگونی رژیم جمهوری اسلامی است. همچنین کمانیکه با دور رژیم سلطنتی و اسلامی در سرکوب مردم همکاری داشتند، از عضویت در "کمیته حمایت از زندانیا ن سیاسی" محروم هستند. در ترکیب فعالین و همکاران کمیته افرادی هم حضور دارند که شما اکنون تعدادی از آنها را در درون و بیرون چا در اعتصاب مشا هده می کنید. ما این اصول و واقعیتها را در ما حبه با مطبوعات و رادیو که از اعتصاب سه روزه ما دیدن

کرده اند نیز بنیان کردیم. برایین نیز تا کید کردیم که این اقدام کمیته و اساساً تنها برنا مکمیته دفاع از زندانیا ن سیاسی است. نحوه کار کمیته نیز با حقوق برابر اعفاء و به شیوه شورائی است

* * *

هواداران سازمان "اسکونه" در جنوب سوئد، بصورت یک گروه توضیحی - تبلیغی به مراکز کارگری، حقوقی و دفاعی تجریانات سیاسی رفتند و از طریق گفتگو و تسلیم جزوات و بیانیها، آنان را در جریان اعداهای اخیر زندانهای رژیم جنا یتکار جمهوری اسلامی قرار دادند. رفقای ما منجمله از مسئولین صلیب سرخ، نمایندگان عقوبین المللی، اتحادیه کارگری و حزب کمونیست ما رکسیست - لنینیست (انقلابی)، حزب چپ کمونیستها VPK و... تقاضای کمک و همبستگی با مبارزین در بند و مردم ایران نمودند. از جمله اقدامات متوالی این رفقا، برپا ش آکسیونی در میدان مرکزی شهر بوئند در روز ۳ دسامبر بود که طی آن هزاران اعلامیه همراه با تما و بر مستنداتی با تائید خبرگورهای جمعی را در اختیار رفقای برین قرار دادند. این اقدامات در سایر شهرها، از جمله مالمو - مرکز استان - صورت گرفته و ادامه خواهد یافت.

تظاهرات علیه کشتار زندانیا ن

در اعتراض به جنايات رژیم جمهوری اسلامی در زندانها و بدعوت فعالین هسته اقلیت، هواداران سفخا (اقلیت)، هواداران کانون سیاسی - فرهنگی خلق ترکمن، جمعی از ایرانیان مبارز، وس، ک، ا، ا، (راهکارگر) - و احدگوشنبرگ، تظاهرات ایستاده ای در روز جمعه ۲ دسامبر در مقابل دفتر صلیب سرخ گوتنبرگ برگزار گردید.

شرکت کنندگان در این تظاهرات با حمل اسناد و تما و بر مربوط به جنايات رژیم در زندانها ی سیاسی کشور، ابتدا در خارج از دفتر صلیب سرخ اجتماع نموده و سپس بدون ساختن صلیب سرخ رفته و خواهان ملاقات با مقامات آن گردیدند.

در جلسه مشترکی نیز که در پی آن با یکی از نمایندگان صلیب سرخ تشکیل گردید، ابتدا آثار و اسناد جنايات رژیم به ایشان ارائه گردیده و سپس خواستههای تظاهرات به اطلاع صلیب سرخ رسیدند.

خواستهای شرکت کنندگان به قرار زیر بودند:

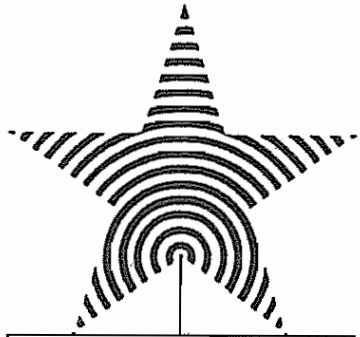
- ۱ - اعزام هیئتی از طرف صلیب سرخ جهت بررسی و عقوبین الملل برای با زدیدنا شما می زندانهای ایران و بمنظور متوقف ساختن شکنجه و اعدام زندانیا ن سیاسی.

- ۲ - محکومیت جمهوری اسلامی از طرف دولت سوئد.

- ۳ - لغو احکام خراج متقاضیان پناهندهگی ایرانی و پذیرش پناهندهگی آنان.

- ۴ - اشکاس واقعی جنايات جمهوری اسلامی ایران در رسانه های جمعی سوئد.

اخبار مربوط به این حرکت از رادیوی محلی گوتنبرگ پخش شده و در روزنامه صبح گوتنبرگ GP و همچنین در نشریه "پرولتار" رگان حسرتزب کمونیست (KPMLE) درج گردیدند.



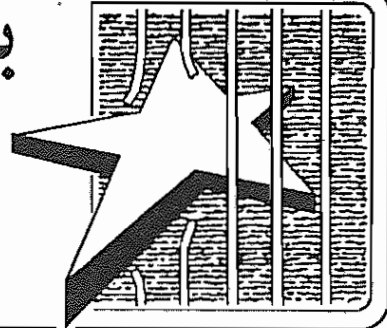
صدای کارگر

راهنمای سازمان کارگران انقلابی ایران در تهران

برای آزادی

زندانیان سیاسی
متحداً مبارزه کنیم!

در صفحات ۶ و ۷



سوئد

قطعنامه مشترک

به استکا و رفقای واحد حکومتی و سازمان ما، مجموعه ای از احزاب و سازمان های سوئدی و ملیتهای دیگر با تهیه یک قطعنامه مشترک ضمن اعتراض به اعدامهای دسته جمعی زندانیان سیاسی از مراجع بین المللی خواستار اقدامات جدی در این مورد شدند.

اعتصاب غذا در مالمو

روزشنبه ۱۰ دسامبر، روز جهانی حقوق بشر بود. به این مناسبت کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران، یک اعتصاب غذای سه روزه اعلام کرد که از روزنهم تا یازدهم دسامبر در میدان مرکزی شهر مالمو برپا شد. این اقدام با شرکت ۳۰ نفر اعتصابی و همکاری ۷۰ نفر در مجموع انجام شد و طی آن تعداد زیادی اوراق افشاگرانه همراه با طرحهای هنرمندانه و نیز جزوات مستند از زندانیان تکان دهنده و ارقام گشتارهای اخیر توسط اعتصابیون تهیه و به بازیدکنندگان داده شد. مدتها اعضاء اعتراضی نیز به منظور ارسال به سفارت جمهوری اسلامی جمع آوری شد و بسیاری از نیروهای شرقی و سوئدی و مجامع صنفی، حقوقی و سیاسی از محل اعتصاب بازدید کردند.

گزارش حاضر توسط خبرنگار ما و در همین رابطه تهیه شده است.

- ★ برنامۀ صدای کارگر هر شب ساعت ۹ روی موج کوتاه ردیف ۷۵ متر برابری ۴ مگا هر تزیخش می گردد.
- ★ این برنامه ساعت ۱۰ صبح روز بعد مجدداً پخش می شود.
- ★ جمعه ها برنامه ویژه پخش می گردد.
- ★ برنامه صدای کارگر ویژه کردستان هر روز ساعت ۴ بعد از ظهر به زبانهای کردی و فارسی پخش می گردد.

به مسئولین المللی، کمپین حقوق بشر سازمان ملل و صاحب سر جهانی نظریه اینکه:

نیم جهانی اسلامی در اضمحلال و جرح و شکست و اعدامهای دسته جمعی زندانیان سیاسی را عدالت بخشید. و مدتها آن را بدین سزاگانه اعدام نمود. است.

نظریه اینکه:

جمهوری اسلامی به نظر جلوگیری از پخش اخبار مربوط به احوال زندانیان از کاتسانوایه زندانیان سیاسی را با آنان ممنوع نمود. است.

لذا ما از شما می خواهیم تا کمپین را با هدف بازید از زندانیان سیاسی ایران و توقف ضرب و جرح و شکست و اعدام زندانیان سیاسی در تمامی زندانهای کشور به ایران اتمام دادید.

اسامی احزاب سازمانها و جنبه ها و... اضا کنند: قطعنامه مشترک:

- ۱- حزب کمونیست باکریست - انجمنها (انقلابیون) - KPML - پخش گوتیرگ.
- ۲- حزب چپ کمونیست VPK - گوتیرگ.
- ۳- جوانان کمونیست KU - گوتیرگ.
- ۴- جوانان کمونیست سوئد SKU - گوتیرگ.
- ۵- جوانان سوئد دگرگات سوئد SSU - گوتیرگ.
- ۶- اتحادیه بین المللی زنان برای آزادی و صلح WILPF - گوتیرگ.
- ۷- انجمن سیاسی با کس PAX.
- ۸- انجمن بشر و صلح پرستوها SVALORNA.
- ۹- انجمن فرهنگی ترکیه و سوئد.
- ۱۰- کمیته فلسطین دموکراتیک.
- ۱۱- حزب کمونیست نیلی.
- ۱۲- مؤاداران جبهه خلق برای آزادی فلسطین PFLP - گوتیرگ.
- ۱۳- جوانان حزب کمونیست نیلی.
- ۱۴- سازمان کارگران انقلابی ترکیه DEVRIMCI IGCI - گوتیرگ.
- ۱۵- سازمان کارگران انقلابی ایران (را) کارگر - واحد گوتیرگ.

نوامبر ۱۹۸۸



تبریک سال نو

سال نو میلادی را به هم میهنان مسیحی خود تبریک گفته و بیوند مبارزاتی خود را خصوصاً در مقطعی که حلول سال نو مصادف با دور جدید سرکوب حکومت اسلامی شده است تحکیم میکنیم. ما امیدواریم دست در دست هم علیه سرکوب و خشکانه و کشتار زندانیان سیاسی مبارزه کرده و طومار رنگین حیات جمهوری اسلامی را در هم پیچیم. تا سال نور با معنی واقعی آن در آزادی جشن بگیریم.

چا در محل اعتصاب غذا تا شربانگیزاست. طرحهای گویای یک پناهنده نقاش، نگاه بینندگان را خیره میکند: زندانیانی که شمار میدهند، به بند کشیده شده اند، نیزه ها ئی که به سمت بدنشان حرکت میسند، گور و خشن هستند، بر روی چادر، تصاویری از گورهای سطحی زندانیان سیاسی به چشم میخورد و در جوار آنها، طرحها و شعرا ئی به دوزبان دیسده میشود. مشعلهای روشن در هوای مه آلود میسند. در صفحه ۱۵

ALIZADI B.P.195
75564 PARIS - CEDEX 12
FRANCE
POSTFACH 650226
1 - BERLIN 65
W - GERMANY